

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقيه مجاهد

درنگی در زندگی، آثار و اندیشه‌های
آیت‌الله محمد مهدی آصفی

شناسنامه

فهرست مطالب

۷.....	طلیعه.....
۱۱.....	مقدمه.....

گفتار اول: زندگی نامه

۱۷.....	تا به اقلیم وجود.....
۱۹.....	در مدرسه نجف و قم.....
۲۱.....	بر کرسی تعلیم و تبلیغ.....
۲۳.....	سمت‌ها.....
۲۴.....	در یک نگاه.....
۲۵.....	در حدیث دیگران.....

گفتار دوم: دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها

۲۹.....	مقدمه کلام.....
۳۱.....	اندیشه‌های قرآنی و تفسیری.....
۳۴.....	خردمندی و دینداری.....
۳۷.....	اندیشه‌های فقهی و کلامی.....
۴۱.....	اخلاق‌گرایی.....
۴۵.....	اندیشه سیاسی.....
۴۹.....	اندیشه‌های اصلاحی.....
۵۵.....	آیت‌الله آصفی و مسئله تقریب.....
۵۹.....	نقد تکفیری‌ها از موضع اعتدال.....

استکبارستیزی..... ۶۴

گفتار سوم: اهتمام به امور مسلمین

کوشش‌های فرهنگی و اجتماعی ۶۹

خدمات اجتماعی - فرهنگی ۷۳

گفتار چهارم: آثار علمی

آثار علمی ۷۷

یک، آثار چاپی ۷۸

سخنرانی‌های علمی ۸۹

طلیعه

جریان‌های علمی، فکری و اجتماعی، به یک باره به وجود نمی‌آیند، در پیشینه و بستر همه آنها، نقش نخبگان و انسان‌های تحول‌آفرین به چشم می‌خورد؛ آیندگان همواره بر سر خوان گسترده پیشینیان نشسته‌اند، چه آن‌که علم، فکر و هر اختراع و اکتشاف و دگرگونی مادی و معنوی به یکباره به وقوع نمی‌پیوندد. به جهت همین واقعیت است که پیشینه تحقیق، در هر موضوعی از دانش، مورد توجه قرار می‌گیرد. نکوداشت‌ها، و کنگره‌های بررسی آثار و اندیشه‌های طلایه‌داران دانش و پیشگامان حرکت‌های اصلاحی و اجتماعی در راستای همین هدف قرار می‌گیرد. دفتر تبلیغات اسلامی نیز به عنوان نهادی علمی، دینی و فرهنگی از سالیانی پیش این مهم را در برنامه خود قرار داده است، کنگره‌های بین‌المللی سیدشریف‌الدین عاملی، علامه بلاغی، شهیدین(شهید اول و شهید ثانی) و آخوند خراسانی در ایران، لبنان و عراق با همین منظور برگزار گردید که

افزون بر احیای میراث علمی و فکری آن بزرگواران، ده‌ها اثر پژوهشی و ترویجی دیگر تألیف و تدوین و تقدیم مخاطبان گردید.

در ادامه آن سنت حسنه، به اشارت برخی از ارباب دانش و بینش، اینبار خرق عادت گردید و نام یکی از ستارگان فروزان جامعه معاصر اسلامی در برنامه همایش‌های علمی قرار گرفت.

علامه محمدمهدی آصفی بروجردی نجفی از شمار شخصیت‌های انگشت‌شماری است که با برخورداری از جامعیت علمی و آراستگی به فضائل اخلاقی در هدایت جنبش‌های فکری، سیاسی و اصلاحی معاصر کشورهای اسلامی بویژه عراق و ایران سهم به‌سزایی دارد.

افزون بر این پیشتازی، کارنامه‌ای درخشان از تلاش علمی و اجتماعی بخصوص توجه به محرومان و مستضعفان، او را از معاصرانش ممتاز کرده است. همین ویژگی و امتیازات معظم‌له، محور بررسی‌ها، مصاحبه‌ها و برنامه‌های کنگره قرار گرفت.

اینک خدای را سپاسگزاریم که در این مدت کوتاه به مدد الهی و همکاری دوست‌داران معارف دینی و فضائل انسانی، توفیق یافتیم تا مجموعه‌ای پر برگ و بار را با محوریت بررسی شخصیت، اندیشه و آثار علامه آصفی در عناوین ذیل عرضه نماییم:

۱. تهیه، تدوین و تصحیح مجموعه آثار عربی علامه آصفی
۲. تهیه، تدوین و تصحیح مجموعه آثار فارسی ایشان شامل: مقالات، مصاحبه‌ها و ترجمه‌های فارسی
۳. ترجمه و تلخیص برخی از آثار وی برای مخاطبان خاص از جمله مبلغان دینی.

۴. مجموعه مقالات عربی و فارسی درباره شخصیت، آثار و اندیشه‌های ایشان، از پژوهشگران عرب و ایرانی.

۵. مجموعه مصاحبه‌ها و خاطرات خویشاوندان دوستان و شاگردان وی.
۶. تهیه برخی از تک نگاری‌ها در باره ابعاد برجسته‌ای از اندیشه‌های وی (از جمله کتاب مستقل در باره اندیشه سیاسی علامه آصفی).
۷. کتابشناسی توصیفی علامه آصفی.
- در پایان از همه کسانی که در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی علمی، تدوین و تصحیح مجموعه آثار، نگارش مقالات، بررسی و ارزیابی، انجام گفتگوها، تهیه آثار هنری و دیگر دست‌آوردهای این همایش، ما را همراهی کردند، به ویژه از حمایت‌های ریاست محترم دفتر تبلیغات اسلامی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر احمد واعظی (دامت برکاته) کمال سپاسگزاری و امتنان را داریم و اجر همگان را به خدای بزرگ وامی‌گذاریم. کتاب حاضر نیز که به قلم فاضل گرامی جناب آقای رضا بابایی در باره زندگی و شخصیت و آثار علامه آصفی (دامت برکاته) نگاشته شده است، با نام «فقیه مجاهد» تقدیم پیشگاه خوانندگان گرامی می‌شود.

والسلام علی عبادالله الصالحی

سعید روستا آزاد	محمدجواد صاحبی
معاون فرهنگی و تبلیغی	دبیر علمی
دفتر تبلیغات اسلامی	کنگره بررسی شخصیت، اندیشه و آثار علامه آصفی

مقدمه

محمد مهدی آصفی بروجردی نجفی، از روحانیون و مردانی است که همه عمر خویش را بر سر دین و خدمت به دینداران گذاشتند؛ مردانی که در راه خدا، سر از پا نشناختند و آنچه در توان و توفیق داشتند، به کار گرفتند تا امت اسلام روزهای بهتری را تجربه کنند و لحظه‌های شادتر و معنوی‌تری داشته باشند. او یکی از بهترین سرمشق‌ها و الگوها برای روحانیان و مبلغان و نسل مسلمان معاصر است.

دینداری در جهان پیچیده و ناپایدار امروز، نیاز به الگوهای روشن و استوار دارد و آیت‌الله محمد مهدی آصفی - حفظه‌الله - به‌حتم یکی از این الگوهای ماندگار است.

تربیت خانوادگی و بیش از شصت سال جدّ و جهد علمی، و عمری مجاهدت و تزکیه، از او شخصیتی جامع، مؤثر و صاحب سبک و روش ساخته است. تبلیغ دین در دهکده جهانی، کسانی چون او را می‌طلبد که جهان را بشناسند و درد انسان معاصر را بدانند و از هیچ جان‌فشانی و کوششی دریغ نکنند. دریغا و حسرتا که چنین مبلغان بزرگ، دردشناس، آگاه، روشن‌بین و توفیق‌مند، با همه نیازی که به آنان است، انگشت‌شمارند.

صبر بسیار نباید پدر پیر فلک را

تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

ارتقای سطح اجتهاد در فروع مبتلابه، کوشش برای اصلاح و بهبود روش‌های علمی و اجتهادی در حوزه‌های علمیه قم و نجف، مجاهدت در حمایت بی‌دریغ و هدایت جنبش اسلامی مردم عراق، همراهی با نهضت امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی ایران و معرفی آن به عرب‌زبانان در کشورهای اسلامی،^۱ همدلی با جنبش‌های آزادی‌بخش در اقصا نقاط دنیا، توفیق در کسب و تبلیغ علوم اسلامی و معارف اهل بیت علیهم السلام در سطح جهان، خستگی‌ناپذیری در آموختن و آموزاندن، قلم از دست نینداختن و زبان از سخن فرونستن، خدمت‌رسانی بی‌دریغ به بندگان خدا، برخورداری از اندیشهٔ جهانی و همت بلند و نیز نفسی زکيه و مطمئن، شماری از امتیازها و خصال آیت‌الله محمد مهدی آصفی است. و باز هم، زهد و ساده‌زیستی و پرهیزگاری و پارسایی او را نباید از یاد برد که در روزگار ما گوهری است کمیاب. او آنچنان است که می‌گوید و برای دیگران می‌خواهد. بیش از دیگران، بر خود سخت می‌گیرد، و پیش از خود، برای دیگران خیر می‌خواهد و آسانی و راحت می‌طلبد. برای بسیاری از خانواده‌های مستمند شیعی و مسلمان، در عراق و افغانستان و سوریه و ایران، پدری است مهربان و نان‌آور؛ برای علوم دینی، مجتهدی است کارآزموده و نکته‌سنج و گره‌گشا؛ برای اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام مبلغی است زمان‌شناس و هوشمند؛ برای عراق، رهبری است مسئله‌شناس و آینده‌نگر؛ و برای تألیف و تدریس، خاطره‌ای است خوش و افتخارآمیز. پس اگر او را تجلی‌گاه آموزه‌های اخلاق دینی و فضیلت‌های فراموش شده بدانیم، بی‌راه نرفته‌ایم و گراف نگفته‌ایم.

زندگی پر فراز و نشیب آیت‌الله آصفی - حفظه الله - بخشی از تاریخ معاصر جهان اسلام است. تأثیرگذاری او بر جریان‌های اسلامی معاصر در عراق و نیز

۱. آثار ایشان به زبان عربی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تأثیر بسیاری در معرفی نهضت اسلامی ایرانیان در جهان عرب داشت.

گره‌گشایی‌های او از نهضت دینی مردم عراق و یاریگری‌اش در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سطرهایی درخشان در کارنامهٔ سیاسی او است. آنگاه که حوزهٔ علمیهٔ نجف، خاموشی و گوشه‌گیری را برگزیده بود، او و هم‌قطاران فداکارش، حزب الدعوه را به انگیزهٔ دعوت مسلمانان به اسلام سرنوشت‌ساز و انقلابی، پایه‌گذاری کردند و از این رهگذر، بسیاری از ظرفیت‌های فروختهٔ حوزه را به صحنه آوردند و روحی دیگر در حیات سیاسی جهان اسلام دمیدند.

آنچه وی را در صحنه‌های سیاسی جهان عرب، بیش از دیگران کارساز و تأثیرگذار کرده است، دو ویژگی مهم است:

یک. حضور فعال و واکنش سریع به اکثر رخدادهای سیاسی - فرهنگی در جهان اسلام؛ به طوری که کمتر حادثه‌ای را در کشورهای اسلامی می‌توان نام برد که آیت‌الله آصفی دربارهٔ آن از طرق مختلف (بیانیه، مصاحبه، سخنرانی، اقدام عملی و...) موضعی نگرفته باشد.

دو. اعتدال روشن‌بینانه‌اش در مواجهه با معضلات؛ به‌ویژه در سال‌های اخیر که شوربختانه جهان اسلام مبتلا به داعش‌های آدم‌خوار و افراط‌های بی‌حد و مرز و سخن‌رانان بی‌تقوا و نویسندگان بی‌مبالات شده است. روش اعتدالی و سنجیدهٔ ایشان در مواجهه با مسائل و مصائب مسلمین، باید درس‌آموز همهٔ فعالان سیاسی و فرهنگی مسلمان باشد. او به ما می‌آموزد که می‌توان قاطع اما بدون تعصب بود؛ می‌توان زاهد اما در اندیشهٔ دنیای دیگران بود؛ می‌توان مجتهد اما اهل هجرت به هر گوشهٔ جهان برای سخن‌رانی و گفت‌وگو بود؛ می‌توان وطن‌دوست بود و نیز جهانی‌اندیشید و...

نکتهٔ پایانی دربارهٔ این بزرگ‌مرد، یادآوری همت والای او در اصلاح امور مسلمین است. این همت کم‌مانند، ایشان را صاحب آثار بسیاری در زمینهٔ تألیف، تحقیق، اجتهاد، تأسیس بنیادهای خیریه و حضور و سخن‌رانی در ده‌ها همایش بین‌المللی کرده است. برای آن وجود نازنین و مبارک، از خدای بزرگ، سلامت و بهبود عاجل مسئلت می‌کنیم و امید است که اسلام عزیز، همواره و همچنان، چنین فرزندان نیک‌سیرت و بلندهمت و پرهیزگاری را در دامن خود بپرورد.

کتاب حاضر، کوشیده است، به اختصار و اجمال، گوشه‌هایی از زندگی علمی و جهادی و انسانی این مجاهد فقیه را برنماید. متأسفانه منابع و اسناد موجود دربارهٔ آیت‌الله آصفی، هنوز آنچنان فراوان و فربه نیست که بتوان به‌نیکی از عهدهٔ نگارش کتابی جامع دربارهٔ ایشان برآمد. به هر روی در این اثر کوشیده‌ایم زندگی معنوی و علمی آیت‌الله آصفی - حفظه‌الله - را در چهار گفتار بررسییم:

گفتار اول: زندگی‌نامه؛

گفتار دوم: دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها؛

گفتار سوم: اهتمام به امور مسلمین؛

گفتار چهارم: آثار علمی.

امید است جامعهٔ دینی و علمی، بیش از پیش قدردان زحمات و برکات بزرگان خویش باشد. از استاد محمّدجواد صاحبی که پیشنهاد تألیف این اثر را به من داد و این توفیق را نصیبم گرداند، سپاس گزارم و برای ایشان و همهٔ کوشندگان در طریق سعادت و اصلاح، توفیقات بیشتر خواستارم.

قم، تابستان ۱۳۹۳

گفتار اول: زندگی نامه

تا به اقلیم وجود

رهرو منزل عشقیم و ز سرحد عدم

تا به اقلیم وجود این همه راه آمده‌ایم

آیت‌الله محمد مهدی آصفی بروجردی، در سال ۱۳۱۶ خورشیدی، برابر با ۱۳۵۵ قمری و ۱۹۳۷ میلادی در شهر نجف به دنیا آمد. مادرش،^۱ دختر آیت‌الله العظمی شیخ محمد تقی نجفی بروجردی^۲، مؤلف «نهایة الافکار»،^۳ از مجتهدان مبرز و

۱. نام ایشان «فاطمه» بود. آیت‌الله محمد مهدی آصفی در مصاحبه‌ای، درباره مادرشان می‌گوید: «مادرم اهل نماز شب و تهجد و تقوا بود. تحصیلات عالی‌ه نداشت، اما بسیار اهل مطالعه و دقت بود و بسیار مطالعه می‌کرد.» (ر.ک: مصاحبه میرزا علی سلیمانی بروجردی با آیت‌الله آصفی)

۲. باید توجه شود که آیت‌الله حاج شیخ محمد تقی بروجردی صاحب «تقریرات و نهایة الافکار» با مرحوم آیت‌الله شیخ محمد تقی اراکی بروجردی صاحب «العشرات» که هر دو معاصر و هر دو مقیم تهران بودند اشتباه نشود.

۳. «نهایة الافکار»، در چهار جلد، تقریر دروس اصول آقا ضیاء الدین عراقی است که اکنون در شمار منابع درس خارج اصول در حوزه‌های علمیه است. از وی رساله‌ای نیز در اجتهاد و تقلید منتشر شده است که آیت‌الله العظمی بروجردی^{علیه السلام} همواره آن را می‌ستودند. در مقدمه کتاب که به قلم نوه ایشان، آیت‌الله محمد مهدی آصفی است، می‌خوانیم: «نهایة الافکار از بهترین کتاب‌های اصولی است که در عین روانی و آسان‌یابی، عمیق و سنجیده است.» ر.ک: «نهایة الافکار»، ج ۱، مقدمه، ص ده.

تأثیرگذار بود. آیت‌الله محمدتقی نجفی بروجردی، در سال ۱۳۲۵ ش به قم مهاجرت کرد و پس از چندی، به دعوت آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی (از رهبران نهضت ملی نفت در ایران) و با موافقت آیت‌الله العظمی بروجردی به تهران رفت و تا سال ۱۳۵۰ که دعوت حق را لبیک گفت، در تهران زیست. پیکر او را در قبرستان ابوحسین قم به خاک سپردند. وی در سال‌هایی که در تهران می‌زیست، همگام با روحانیت مبارز، در فعالیتهای سیاسی نیز مشارکت کرد.^۱ از شاگردان نامدار او آیت‌الله علی محمد آصفی (پدر آیت‌الله محمد مهدی آصفی) و آیت‌الله شیخ ابوالقاسم خزعلی بروجردی می‌باشد.^۲

پدر ایشان، آیت‌الله علی محمد آصفی بروجردی، متولد بروجرد و از مجتهدان بنام نجف و صاحب آثار تحقیقی بسیار در فقه و اصول و تفسیر، و نیز از مردان اهل زهد و پارسایی بود. وی، در سال ۱۳۵۰ ق برای تحصیل علوم دینی به نجف رفت و پس از اتمام دروس سطح، در محضر آیات عظام سید ابوالقاسم موسوی خوئی^{رحمته}، سید محسن حکیم^{رحمته}، سید عبدالهادی شیرازی^{رحمته}، محمدتقی بروجردی^{رحمته} و... خارج فقه و اصول را آموخت. برخی از آثار وی، بدین شرح است:

- تقریرات درس خارج فقه و اصول آیت‌الله خوئی؛
- حکم الرضاع؛
- حول تحریف التوراة؛^۳
- دراسات فی القرآن الکریم؛^۴
- فصل الخطاب فی نفی تحریف الکتاب؛

۱. ر.ک: اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۷-۱۸ و ص ۵۲-۵۳. نیز ر.ک: علیرضا پناهی تلخستانی،

سازگان حرم، ج ۱۹، ص ۸۹ به بعد.

۲. پیرامون زندگی نامه مفصل آیت‌الله العظمی شیخ محمد تقی نجفی بروجردی مراجعه شود به علمای لرستان بعد از آیت‌الله العظمی بروجردی، میرزا علی سلیمانی بروجردی، ج ۳، ص ۳۵ - ۶۶ مراجعه شود.

۳. این کتاب، مجموعه مقالات ایشان است که نخست در مجله^۱ الاضواء در نجف منتشر شد.

۴. به گفته آیت‌الله محمد مهدی آصفی: این کتاب، به خوبی تسلط ایشان را بر تفاسیر شیعی و سنی نشان

می‌دهد.

- ليلة القدر؛^۱

- نهج الهدى فى حرمة الربا؛

- رسالة فى حق سبق فى الاماكن المتبركه؛

- ديوان اشعار؛

- استعمال «كلا» در قرآن؛

آیت‌الله علی محمد آصفی بروجردی، در سال ۱۳۸۹ هـ. ق در ۵۷ سالگی درگذشت و در جوار مرقد امام نخست شیعیان، امیر مؤمنان علی علیه السلام آرامید.^۲

در مدرسه نجف و قم

هنگامی که محمد مهدی در نجف، پا به مدارس علمیه گذاشت و در محضر پدر و دیگران، دروس سطح را می‌آموخت، حوزه علمیه نجف، تحت زعامت آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم بود. در همین دوران، حکومت پادشاهی عراق، با کودتای عبدالکریم قاسم سرنگون شد. خودداری آیت‌الله حکیم از ارسال پیام تبریک برای رئیس جمهور کودتاچی، حوزه نجف را با خطری جدی روبه‌رو کرد؛ اما تدبیر آیت‌الله حکیم و تزلزل پایه‌های حکومت نوپیدا قاسم، سایه خطر را از سر نجف برداشت.

آیت‌الله محمد مهدی آصفی، مقدمات و سطح را در محضر پدر و دیگر استادان حوزه علمیه نجف فراگرفت. دروس دانشگاهی را نیز تا مقطع کارشناسی ارشد در رئیس کلیه الفقه، به ریاست آیت‌الله محمدرضا مظفر گذراند.^۳ در سال ۱۳۹۰ هـ. ق

۱. آقابزرگ طهرانی، این اثر را در موضوع خود، جامع می‌شمارد. (النریعه، ج ۱۸، ص ۳۹۰) همچنین ر. ک: نشریه بیانات، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۹۵.

۲. پیرامون زندگی‌نامه مفصل ایشان مراجعه شود به علمای لرستان بعد از آیت‌الله العظمی بروجردی، میرزا علی سلیمانی بروجردی، ج ۴، ص ۴۳ - ۵۳.

۳. شیخ محمدرضا مظفر، در پنجم شعبان سال ۱۳۲۲ قمری در نجف اشرف چشم به جهان گشود. پدرش آیت‌الله محمد بن عبدالله مظفر از سلسله «آل مظفر»، در زمره فقیهان و مجتهدان نجف بود، و مادرش دختر علامه شیخ عبدالحسین طریحی (م ۱۲۹۳ ق). وی دروس عالی حوزه را نزد شیخ محمدحسن مظفر (م ۱۳۷۵ ق)، میرزا محمد نائینی (م ۱۳۵۵ ق)، شیخ آقا ضیاء عراقی (م ۱۳۶۱ ق)، میرزا عبدالهادی شیرازی (م ۱۳۸۲ ق)، سیدعلی قاضی طباطبایی (م ۱۳۶۶ ق) و شیخ محمدحسین اصفهانی (م ۱۳۶۱ ق) فرا گرفت.

به قم مهاجرت کرد و پس از چهار سال حضور در دروس خارج حوزه علمیه قم، از آیات عظام میرزا هاشم آملی لاریجانی (در سال ۱۳۹۳ هـ.ق) و شیخ مرتضی آل یاسین (در سال ۱۳۹۴ هـ.ق)، اجازه اجتهاد گرفت.^۱

مشهورترین استادان حوزوی و دانشگاهی وی، در نجف بدین شرح است: حجج اسلام: سید علی ساوجی (مقدمات)، محمد حجارباشی سلطانی (مقدمات)، علی کازرونی (مقدمات و سطح)، اسماعیل کازرونی (مقدمات)، محمدعلی مدرس افغانی (ادبیات عرب)، صدرالدین بادکوبه‌ای (دروس سطح فقه و اصول)، مجتبی لنگرانی (لمعه)، سید اسدالله مدنی (دروس سطح)، مسلم ملکوتی سرابی (فلسفه)، سید محمدجعفر جزائری (دروس سطح)؛ محمدرضا مظفر (فلسفه)، عبدالمنعم فرطوسی (بلاغت و معانی).^۲

استادان دروس خارج وی نیز عبارت‌اند از: آیات عظام سید ابوالقاسم خوبی (فقه و اصول)،^۳ سید محسن حکیم (فقه)، سید عبدالله شیرازی (اصول)، سید محمد روحانی (فقه و اصول)، میرزا باقر زنجانی (فقه)، شیخ حسین حلی (اصول)، میرزا هاشمی آملی (فقه)، سید محمدرضا گلپایگانی (فقه)، امام خمینی (فقه).^۴

تأسیس جمعیت «منتدی النشر»، «دانشکده منتدی»، «دانشگاه فقه» در بغداد و تدوین کتاب‌های درسی حوزه به شیوه‌های نو، بخشی از فعالیت‌های علمی و اجتماعی او است. (ر.ک: محمد مهدی آصفی، مدرسه النجف، نجف اشرف، مطبعه النعمان، ۱۳۸۵ ق. ص ۵۹ به بعد)

۱. صورت اجازنامه‌ها به نقل از کتاب «ملکیه الارض فی الاسلام»، در پایان کتاب می‌آید. گفتنی است که این کتاب در سال ۱۳۹۰ قمری در نجف منتشر شد.

۲. علمای ایران بعد از آیت‌الله العظمی بروجردی، میرزا علی سلیمانی بروجردی، ج ۴، ص ۵۹-۶۰.

۳. آیت‌الله آصفی، بیشترین حضور را در دروس خارج آیت‌الله العظمی خوئی رحمته الله علیه داشته است. خود می‌گوید: «اکثر آنچه از فقه و اصول آموختم در محضر آیت‌الله العظمی خوئی رحمته الله علیه بود. درس ایشان برای ما بسیار روشمند، منتظم و دیده‌گشا بود.» (ر.ک: عبدالحسین، شیخ خضیر، *الدعا و صلاة اللیل*، ص ۱۷)

۴. علمای ایران بعد از آیت‌الله العظمی بروجردی، میرزا علی سلیمانی بروجردی، ج ۴، ص ۶۰.

همچنین در نامه‌ای به مؤلف *طبقات مفسران شیعه*، می‌نویسد: در تابستان‌هایی که از عراق به ایران می‌آمدم، گاهی در همدان خدمت آیت‌الله العظمی ملاعلی معصومی همدانی رحمته الله می‌رسیدم و از انفاس ایشان بهره‌مندی می‌بردم.^۱

بر کرسی تعلیم و تبلیغ

آیت‌الله محمدمهدی آصفی، در حوزه علمیة نجف و قم، سال‌ها فقه و اصول و فلسفه و تفسیر قرآن در مقطع سطح و خارج تدریس کرده است. سابقه تدریس ایشان در مقطع خارج فقه و اصول، بیش از ده سال است. در این مدت، بسیاری از فضلاء حوزه علمیة از محضر وی بهره‌ها بردند. «اجتهاد و تقلید»، «قاعده لاضرر»، «قواعد عقود»، «الزام»، «تجاوز»، «فراغ»، «اجارة»، «قضا»، «بیع و مکاسب»، «صوم»، «مستحدثات مالی و بانکی» و بسیاری دیگر از ابواب و قواعد فقهی، موضوع تدریس ایشان در دروس خارج بوده است. همچنین یک دوره کامل اصول فقه را به مدت ده سال در حوزه علمیة قم تدریس کرده است. تدریس تفسیر و فلسفه و تاریخ اسلام در دانشگاه‌های «کلیة الفقه» در نجف و «اصول فقه» در بغداد از دیگر اشتغالات علمی ایشان بوده است.

افزون بر همه اینها، هیچ فرصتی را برای تألیف و تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم السلام از دست نداده، با حضور در مجامع علمی مختلف، صدای اسلام و تشیع را به گوش جهانیان رسانده است. شرکت در کنفرانس‌های علمی در مکه، پاریس، لندن و دیگر شهرهای انگلستان، سیرالئون، پاکستان، هندوستان، بیروت، استکهلم، دانمارک، دمشق، فنلاند، استانبول، برمه، مسکو، تاتارستان، قزاقستان، بخارا، سمرقند، تاشکند، اوکراین، لیبی، نخجوان، ازبکستان، نپال، افغانستان، مصر، قبرس، بنگلادش، لیبی، نخجوان، مالزی، کویت، بغداد، قم، مشهد، بحرین، سوریه و تهران، شماری از فعالیت‌های حضوری و تبلیغی ایشان است. بالغ بر

۱. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، *طبقات مفسران شیعه*، ج ۱، ص ۱۰. سفر ایشان به همدان برای دیدار و گفت‌وگو با آیت‌الله معصومی همدانی که از بزرگان اخلاق و عرفان در قرن حاضرند، نشانگر اهتمام ایشان به تزکیه نفس و امور معنوی است و بحمدالله این روحیه همچنان در ایشان باقی ماند.

هفت سال نیز مرکز دینی بزرگی را در کویت، به نام جامع النقی عَلَيْهِ السَّلَام اداره و مدیریت کرده و از این رهگذر، توفیق تربیت شاگردان بسیاری برای تبلیغ دین و فرهنگ‌سازی در کشورهای عربی یافته است.

وی به زبان‌های عربی و فارسی سخن می‌گوید و می‌نویسد. تألیفاتش تا کنون به زبان‌های فارسی، اردو، ترکی، انگلیسی، فرانسه، کردی و بوسنیائی ترجمه شده است. نشریات مختلف نیز از قلم ایشان محروم نبوده اند؛ به طوری که فهرست مقالات ایشان، بسیار درازدامن است.

آیت‌الله آصفی، به دلیل تمرکز بر مسائل عراق، نیرو و وقت خود را بیشتر در همراهی با مبارزات مردم عراق صرف می‌کردند؛ با وجود این، چنانکه از اسناد ساواک برمی‌آید، رژیم شاه به ایشان نیز بسیار حساس بوده و تقریباً همه اقدامات او را زیر نظر داشت. در یکی از اعلامیه‌های ساواک به تاریخ ۱۳۵۴/۱۲/۲۰، از زبان یکی از فضلالی قم گزارش شده است:

پخش اعلامیه

موضوع: علت آمدن شیخ مهدی آصفی به ایران.
 آقای... ادعا می‌کرد که او تنها کسی است که علت آمدن آصفی را از کویت به ایران می‌داند و می‌گفت به کسی نخواهم گفت و پس از اصرار زیاد گفته است آصفی برای این آمده بود که یک اعلامیه چهار صفحه‌ای به مراجع و علمای بزرگ ایران برساند. نویسنده اعلامیه، آقای سید موسی صدر در لبنان بود و موضوع آن عبارت از کمک زبانی و مالی و جانی به مسلمانان لبنان می‌باشد. آقای آصفی نیز این اعلامیه‌ها را به طور غیر مستقیم، پس از فتوایی در بین همه آقایان پخش کرد و به دنبال همین اعلامیه‌ها بود که آیت‌الله گلپایگانی حساب بانکی برای شیعیان لبنان باز کرد و در جواب سؤال من که خود دولت ایران در این کار پیش‌قدم بوده و کمک به مسلمانان لبنان می‌کند و چگونه این کار آقای آصفی موجب گرفتاری و تعویق کار گذرنامه ایشان می‌شود، چنین گفتند که سید موسی صدر با شاه ایران مخالف است و میانه آنها خوب نیست و چون اعلامیه‌ها از طرف سید موسی صدر بوده است، اگر دولت ایران می‌فهمید، آصفی را

زندانی می‌کرد. اگرچه دولت ایران با دولت لبنان و مسلمانان آنجا مخالف نیست و اگر مخالفت سید موسی صدر با شاه ایران بر ضرر سید موسی تمام شده است و موجب قطع کمک شاهنشاه شده است، ولی چون بالاخره شخص سید موسی با شاه خوب نیست، آمدن آصفی از طرف سید موسی حتماً موجب گرفتاری او خواهد شد.

... اطلاع حاصل شد که آصفی موقعی که در قم بود، ملاقاتی با آیت‌الله شریعت‌مداری نموده است و ظاهراً این ملاقات نیز پیرامون موضوع لبنان بوده است. مفاد خبر با توجه به شواهد و قرائن موجود صحیح به نظر می‌رسد. کمک‌های مالی آیت‌الله شریعت‌مداری و گلیایگانی به مسلمانان لبنان مورد تأیید بوده، احتمالاً مسافرت آصفی از جانب موسی صدر و تماس با آیت‌الله مورد بحث، ممکن است صحت داشته باشد.^۱

سمت‌ها

سمت و صفت و رسالت اصلی آیت‌الله آصفی، تبلیغ دین بوده، و اگر گاهی مسئولیت و سمت‌های رسمی نیز پذیرفته است، در همین مسیر و برای خدمت به اهداف دینی و انسانی خویش بوده است. مهم‌ترین سمت‌های رسمی که ایشان تا کنون بر عهده گرفته‌اند، عبارت است از:

– عضویت در کادر مرکزی حزب الدعوه، و رهبری آن در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛

- دبیر کلی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام تا حدود ده سال پیش؛
- نمایندهٔ مقام معظم رهبری در حوزهٔ علمیهٔ نجف؛
- عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام؛
- مدیریت مؤسسات خیریهٔ امام باقر علیه‌السلام و...
- مؤسس و بنیان‌گذار چندین مدرسهٔ علمیه در ایران و عراق.

۱. آیت‌الله العظمی سید محمد رضا گلیایگانی رحمته‌الله‌علیه در اسناد ساواک، ج ۳، ص ۳۷۱.

در یک نگاه

آیت‌الله آصفی در گفت‌وگویی با مجله «پگاه حوزه»، زندگی خود را به‌اختصار گفته‌اند که بازخوانی آن، خالی از لطف و فایده نیست:

«بنده حوالی سال ۱۳۱۶ در نجف اشرف و در یک خانواده روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم آیت‌الله شیخ علی‌محمد آصفی، از علمای معروف نجف بود که آثار و تألیفاتی در فقه، قرآن و اصول دارد که برخی از آنها چاپ شده است. مادرم نیز از یک خانواده روحانی است. پدر ایشان مرحوم آیت‌الله شیخ محمدتقی بروجردی از تلامذ میرزای نائینی و مرحوم آقا ضیا از علما و فقهای میرز نجف بودند و آثار منتشر شده‌ای در فقه و اصول دارند. بنده از ابتدای جوانی مشغول دروس طلبگی در نزد اساتید معروف آن روز نجف شدم. دروس سطح را که اصطلاحاً پایه می‌گویند، در نجف خوانده و همچنین دروس خارج را نزد اساتیدی چون حضرت آیت‌الله حکیم، مرحوم امام، مرحوم آیت‌الله خوئی، آیت‌الله شیخ حسین حلّی، آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و دیگران گذراندم، ولی بیشترین تحصیلات بنده، هم در فقه و هم در اصول، نزد آیت‌الله خوئی بوده است. سپس بر اثر گرفتاری‌هایی که در عراق برای بنده به وجود آمد و در نتیجه تعقیب رژیم بعث، مدتی در عراق به حالت اختفا به سر بردم تا شخصی مسیری را فراهم کرد که توانستم از عراق خارج شوم و کارهای علمی خود را در حوزه علمی قم ادامه دهم. در قم هم شاید حدود ده سال پیش از انقلاب، در محضر مرحوم آیت‌الله گلپایگانی و مرحوم آیت‌الله آقا میرزا هاشم آملی درس می‌خواندم. درس‌های دانشگاهی را نیز تا سطح فوق لیسانس در رشته فقه دانشگاه بغداد گذراندم. کتاب‌هایی هم نوشتم که اکثر آنها به زبان عربی است. برخی از آنها به فارسی، انگلیسی، فرانسوی، اردو، ترکی و کردی ترجمه شده است. بعضی از این کتاب‌ها هم مکرراً در مراکز مختلف ایران، عراق و بیروت چاپ شده‌اند. این کتاب‌ها بیشتر در مسائل قرآنی و مسائل عمومی فکری اسلامی بوده است. در مسائل قرآنی ۱۲ مجلد کتاب که شامل یک‌سری مسایل در مورد قرآن است، با عنوان «فی رحاب القرآن» (در گستره قرآن) تألیف کردم که بعضی از مجلدات آن به فارسی ترجمه و مکرراً

چاپ شده است. نوشته‌های دیگری نیز در زمینه قرآن دارم. در زمینه فقه هم کتابی تألیف کردم که «ملکيه الارض فی الاسلام» نام دارد و حدود ۳۰ سال پیش آن را نوشتم و بر مبنای آن کتاب هم دو اجازه اجتهاد از مرحوم آیت‌الله شیخ مرتضی آل یاسین و مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم آملی دریافت کردم و در فقه و اصول تدریس هم دارم.»^۱

در حدیث دیگران^۲

اظهار نظرها درباره فضل و مکرمات‌های اخلاقی آیت‌الله آصفی، فراوان است. آنچه در پی می‌آید، مشتى از خروار و اندکی از بسیار است:

– دکتر محمدهادی امینی نجفی، مؤلف *معجم رجال الفکر و الادب*:

«او دانشمندی بزرگوار و مؤلفی پرکار است که در خطابه و نوشتن روشی نیکو دارد و در مطالعه و تتبع نیز کوشنده است. در مبارزات سیاسی و نزاع‌های فکری از پای ننشست و اکنون یکی از رهبران حزب الدعوه است.»^۳

– مؤلف المنتخب من اعلام الفکر و الادب:

«شیخ محمد مهدی آصفی، عالمی جلیل‌القدر و نویسنده‌ای توانا است که در نزد پدری بزرگوار پرورش یافت و مقدمات را سپری کرد. سپس وارد دانشگاه فقه شد و پس از آن به تحصیل علوم حوزوی روی آورد. وی علاوه بر مهارت در سخنرانی، قلمی روان و ذوق‌مند دارد و تا کنون آثار بسیاری به رشته تحریر درآورده است. همچنین مقالات بسیاری در نشریات عربی به چاپ رساند. این آثار نشان می‌دهد که او آگاهی‌های بسیاری در علوم دینی دارد.»^۴

۱. بگاہ حوزه (ویژه حوزه‌های دینی)، بهمن ۱۳۸۱، شماره ۴.

۲. منابع این بخش از نوشتار برگرفته از جزوه «چشمه حیات» نوشته میرزا علی سلیمانی بروجردی، است.

۳. محمدهادی امینی نجفی، *معجم رجال الفکر و الادب*، ج ۱، ص ۴۳.

۴. المنتخب من اعلام الفکر و الادب، ص ۶۶.

– مؤلف مع علماء النجف الاشرف:

«در مدرسه آخوند خراسانی با ایشان درس می‌خواندیم. در درس و مطالعه و تحصیل بسیار کوشا بودند. هرگز از مطالعه و نوشتن خسته نمی‌شد. بیشتر شب‌های تابستان و زمستان، تا دیروقت کتاب می‌خواند یا می‌نوشت.»^۱

– مؤلف معجم مورخی الشیعه:

«وی عالمی است که با فعالیت‌های سیاسی خود، در جریان‌های سیاسی عراق تأثیرگذار بوده است. با درجه‌ای ممتاز از دانشگاه فقه بغداد فارغ التحصیل شد و سپس به تحصیل علوم دینی پرداخت.»^۲

– محمدجواد طبسی:

«در یکی از سفرهای حج، با آقای آصفی هم‌سفر بودم. ایشان تمام شب‌ها تا صبح بیدار بودند و به عبادت و دعا می‌پرداختند. نکته مهم این است که ایشان همه دعاها را از حفظ می‌خواندند. روز عرفه ایشان را دیدم که می‌لرزید و اشک می‌ریخت. در سال ۱۳۵۳ من در مدرسه آیت‌الله مرعشی نجفی، پیش ایشان درس می‌خواندم. یادم است که استادی خبره بودند؛ خصوصاً در مباحث کلامی و عقیدتی.»^۳

همچنین به شخصیت و زندگی ایشان در کتاب‌های «فرهنگ رجال معاصر ایران»^۴ و «شناخت‌نامه نویسندگان لرستان»^۵ اشاره شده است.

۱. سید محمد غروی، مع علماء النجف الاشرف، ج ۲، ص ۵۷۱.

۲. معجم مورخی الشیعه، ج ۲، ص ۳۳۵.

۳. بخشی از مصاحبه آقای علی سلیمانی بروجردی با آقای محمدجواد طبسی.

۴. ص ۴۰۰.

۵. ص ۳۱.

گفتار دوم:
دیدگاهها و اندیشهها

مقدمه کلام

من غلام نظر آصف عهدم، کو را

صورت خواجگی و سیرت درویشان است^۱

آیت‌الله آصفی، در فقه، اصول، تفسیر، فلسفه و تاریخ اسلام، تخصص و آگاهی‌های فراوان دارد. بیش از ده سال، خارج فقه و اصول تدریس کرده و بخشی از اجتهادات خویش را در قالب تألیف ارائه داده است. به دلیل تحصیل در حوزه و دانشگاه، با روش‌های گوناگون و جدید تدریس و تحقیق به‌خوبی آشنا است و نیز برای نشر اندیشه‌های خود، اهمیت بی‌مانند رسانه‌ها را نیک می‌شناسد. بدین رو از جوانی همکاری با نشریه‌های علمی را جزئی از زندگی علمی و طلبگی خود قلمداد می‌کرد.

به‌حق او از فقیهان نواندیش و زمان‌شناس روزگار ما است. نگاهی به آثار و فعالیت‌های علمی و نیز کوشش‌های اجتماعی وی، نشان می‌دهد که او انسانی دردمند، خدوم و روشن‌بین است. دین و مذهب، برای او نه وسیله‌ای برای کسب احترام و جایگاه، که راهی برای خدمت به جامعه دینی است. او از تبار عالمانی

است که علم را برای تقرب به خدا می‌آموزند و خویشتن را وقف دین و دینداران می‌کنند. بدین رو بیش و پیش از دیگران، به زخم‌ها و چالش‌ها می‌اندیشند و چاره می‌جویند.

ایشان اسلام را دینی جامع، نظامند و پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهای انسان می‌داند و می‌گوید:

«اسلام، برای همه شئون زندگی انسان برنامه دارد و کاستی‌های موجود، مربوط به دین نمی‌شود. اگر عده‌ای این سخن را نشانهٔ تعصب ما می‌دانند، از زبان تاریخ‌دان معاصر، دکتر فیلیپ مسیحی بشنوند که نوشته است: اسلام تمدنی جامع و فراگیر دارد و زندگی پیروانش را در کمال آزادی و صفا نظم می‌بخشد.»^۱

آیت‌الله آصفی، در اندیشه‌های اصلاحی، نسب به سید جمال الدین اسدآبادی می‌رساند و در فقهت اصیل، پیرو مکتب شیخ مرتضی انصاری و آیت‌الله العظمی بروجردی است. درخت اندیشه‌های او ریشه در زمین اجتهاد سنتی دارد و شاخه‌هایی سنگین از میوه‌های اصلاح و پیشرفت بارور کرده است. روی به سوی گفت‌مان‌های روشنفکری ندارد؛ اما مجتهدی روشن‌بین و نواندیش است. سنت را ارج می‌گذارد، اما در گذشته و تاریخ، توقف نمی‌کند. درد انسان دارد و غم دین و آرزوی بهبود و اصلاح جوامع اسلامی. اندیشه‌های او، در نجف و بغداد و قم سیر نمی‌کند؛ بلکه هر جا که مسلمانی زیست می‌کند، جایی است برای حضور عالمانه و خادمانهٔ او. بدین رو تمام جهان اسلام، عرصهٔ دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های او است. آنگاه که به مصائب و مسائل مسلمانان می‌اندیشد، چنان دربارهٔ مصر و عراق و سوریه و پاکستان سخن می‌گوید که گویی همهٔ کشورهای اسلامی، زادگاه و وطن او است:

فتنه‌انگیزی‌های مذهبی در میان مسلمانان امروز حقیقتی ملموس است و بیش از هر وقت دیگری در عراق، پاکستان و افغانستان یافت می‌شود و به کشتار، آتش‌سوزی، هتک حرمت و تکفیر مسلمانان بی‌گناه اهل قبله و

۱. پژوهش، مرداد و شهریور ۱۳۸۴، شماره ۱۳، مقالهٔ «عراق؛ داشته‌ها و بایسته‌های پژوهشی»، ص ۳.

"لا اله الا الله" می‌انجامد. خونبارترین صحنه‌های این فتنه‌انگیزی‌ها در مصر جریان دارد. یا در همین عراق خودمان که تقریباً همه روزه کشتارهای وحشیانه در استان‌های برخوردار از پیروان مذاهب مختلف، صورت می‌گیرد و هزاران خانواده از مناطق آشوب‌زده از شهر و دیار خود رانده می‌شوند. در عراق اتومبیل‌هایی با چندین تن مواد منفجره در میان زنان، کودکان، دانش‌آموزان و دست‌فروشان کنار خیابان، پیاده‌روها و بازارها منفجر می‌شوند. چیزی دردناک‌تر و وحشتناک‌تر از این نیست که این اتومبیل‌ها در مسیر کودکانی منفجر می‌شوند که از مدرسه به خانه بازمی‌گردند و پاره‌های تن آنها با کتاب، قلم و کیف‌شان در هوا پخش می‌شود.^۱

اندیشه‌های قرآنی و تفسیری

آیت‌الله آصفی، همچون پدر بزرگوار خود، توجه بسیاری به معارف قرآنی دارد و درمان دردهای امت را در بازگشت به وحی می‌داند. مجموعه «فی رحاب القرآن» شمه‌ای از اهتمام و التجای او به قرآن است. *فی رحاب القرآن*، تفسیر موضوعی قرآن است و بسیاری از اندیشه‌های قرآن ایشان را در آن می‌توان یافت. طیفی وسیع از موضوعات اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی و عملی در کتاب مذکور طرح و بررسی شده و مؤلف، از این رهگذر یکی از خواندنی‌ترین تفاسیر موضوعی را در عصر جدید پدید آورده است. به اعتقاد وی:

«در صد سال گذشته، آثار و کارهای خوب و ارزنده‌ای در زمینه علوم قرآنی انجام پذیرفته است. مسائل جدیدی مطرح شده و افق‌های تازه‌ای از قرآن کشف شده است. علمای قرآن به اعماق جدیدی از قرآن که پیشتر ناشناخته بودند، دست یافته، کاوش‌ها و دقت‌های فراوانی در مسائل قرآنی صورت پذیرفته و نقدها و بحث‌های قرآنی یک‌دیگر را در زمینه مباحث قرآنی تکمیل کرده‌اند. بحث‌ها و مطالعات قرآنی در صد سال اخیر، جهش‌های کمی و کیفی فراوان و فوق‌العاده‌ای داشته است که قابل تأمل،

۱. مصاحبه با خبرگزاری شفقنا، سه شنبه، ۱۶ مهر ۱۳۹۲.

مطالعه و پیگیری است و این امر در معرفی بیشتر این کتاب ارزشمند الهی به انسان، نقش ارزنده و ممتازی داشته است...» در معرفی ترجمه بخش‌هایی از «فی رحاب القرآن» می‌گوید: «کتابی که در پیش رو دارید، تلاشی در بسط این مسیر است. این کتاب، مجموعه‌ای است از مباحث و موضوعات قرآنی که جدا از یک‌دیگر به عنوان مسائل و مباحث قرآنی مطرح شده است.»^۱

ویژگی مهم این اثر - چنان‌که از همه برگ‌های آن پیدا است - التزام مؤلف به بسیاری از سنت‌های تفسیری و تقید به درج روایات تفسیری در صدر و ذیل مباحث است. تا آن‌جا که می‌توان آن را کوششی برای جمع آیات و روایات در ذیل موضوعات مختلف دانست. آنچه این کوشش را قرین توفیق کرده است، اعتدال مؤلف در استفاده از متون روایی و نیز احتیاط بسیار در برداشت‌های مفسرانه است؛ به طوری که خواننده در سرتاسر این مجموعه، اثری از دعاوی حداکثری نمی‌بیند. عنوان‌ها و موضوعاتی که آیت‌الله اصفی در تفسیر موضوعی قرآن برگزیده است، دو ویژگی مشترک و مهم دارند: نخست اینکه چنان انتزاعی و تخصصی نیست که برای عامه مردم یا دانش‌آموختگان در رشته‌های جدید، قابل استفاده نباشد و دوم اینکه هر یک از این مجلدات، پاسخی است به نیازی یا مسئله‌ای یا چالشی که در حوزه نظر و عمل، به چشم می‌خورد. از این رو «فی رحاب القرآن» را می‌توان کتابی زنده، به‌روز و ناظر به مسائل روز دانست.

اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله اصفی را می‌توان در سطرهایی از این مجموعه یافت و بر روی آنها تمرکز کرد؛ از جمله دانسته می‌شود که وی، قرآن را راه‌گشا و پاسخگوی معضلات بشری می‌داند. همچنین معتقد است برای استفاده از قرآن و نیز برای درک و فهم بهتر آیات الهی، باید نخست چهار مسئله را در نظر گرفت و برای آنها پاسخ درست یافت: یک. قلمرو قرآن تا کجا است؟ دو. چه نشانه‌هایی وجود دارد که انسان بداند در حوزه نفوذ قرآن قرار گرفته است؟ سه. راه‌های ورود

۱. در آینه وحی، مقدمه.

به دایره تأثیرگذاری قرآن چیست؟ چهار. چه آثار و برکاتی بر حضور در حوزه و قلمرو تعلیمی قرآن مترتب است؟^۱

آن چه بیش از همه در شیوه تفسیری ایشان به چشم می‌خورد، استناد به احادیث و اخبار است؛ به طوری که هیچ نکته یا اصل یا قاعده یا مطلبی را نمی‌گوید مگر آنکه آن را به چندین آیه و روایت و سخن و سیره معصومین علیهم‌السلام مستند می‌کند. گاهی نیز تاریخ را به مدد می‌گیرد و به تجربه‌های بشری استناد می‌کند.

در جلد دوم «در آینه وحی» در شرح «میثاق‌های قانونی»، شماری از نظریه‌های غربی را در حوزه «قراردادهای اجتماعی» نقل و نقد می‌کند. نخست نظریه ژان ژاک روسو و جان لاک را در مبحث «قرارداد اجتماعی» تقریر و سپس نقد آن را از زبان برخی فیلسوفان غربی، به‌ویژه هارولد. ج. لاسکی، تحریر می‌کند. در پایان نیز ملاحظات خود را می‌آورد. به اعتقاد ایشان، نظریه پیمان‌های اجتماعی قادر به حل مشکل بحران مشروعیت برای حکومت‌ها نیست.

«تنها راه توجیه، مصالح اجتماعی و ضرورت‌های زندگی اجتماعی است. این توجیه هرچند منطقی و معقول است، اما در واقع قرارداد اجتماعی را از بنیان متزلزل می‌کند. بنابراین پرسش از مشروعیت حکومت، همچنان بی‌پاسخ مانده است.»^۲

استظهار ایشان از قرآن، آن است که صلح و آرامش، اساسی‌ترین عنصر در بافت روابط اجتماعی و سیستم دوستی است. پیوند و ارتباط بین افراد یا بر اساس صلح و آرامش پی‌ریزی می‌شود و یا بر مبنای دشمنی و درگیری. هر یک از این دو مبنا نیز اصول و ویژگی‌هایی دارد. اصول صلح را در جامعه، محبت و خوش‌بینی به یک‌دیگر تشکیل می‌دهد و آثار آن نیز همکاری و دوستی با یک‌دیگر و پشتیبانی از هم است. در مقابل، اصول دشمنی و درگیری را کینه، نفرت و سوءظن تشکیل می‌دهد و آثار آن نیز حسادت، غیبت، بدگویی، اذیت، آزار... است. بافت اسلامی اجتماعی بر پایه صلح و سازش بنا شده است و صلح و

۱. در آینه وحی، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۹۴.

سازش و ویژگی فراگیر و تمایزدهنده سیستم دوستی است.^۱ بدین رو از تشکیل خانواده و همسرگزینی تا مسائلی همچون «تولی و تبری» و «وطن دوستی» سهم بسیاری در صلح پایدار در جامعه دینی دارد. آیت الله اصفی معتقد است مهم ترین صفتی که قرآن درباره پیامبران به ما گوشزد می کند، سعه صدر و تحمل فراوان آنان است. همچنین:

«قرآن، نه فقط سرمنشأ تعامل فرد را با خود و رابطه انسان و خویشان را بیان می کند، بلکه به امری فراتر از این نیز می پردازد، و آن این حقیقت است که هر چه انسان انجام دهد یا برای تحقق آن تلاش کند، چه دور و چه نزدیک، به خود او بازگشت می کند. این خود، از نمونه های رابطه فرد با خویشان است.»^۲

گفتنی است که آیت الله اصفی، همچون همه مصلحان در سده اخیر توجهی ویژه به قرآن و معارف وحیانی دارد؛ آنچه وی را در این عرصه، متمایز می کند، ورود علمی و اجتهادی به مباحث قرآنی است و نیز پرهیز از شعار و دعاوی ناموزون. به عبارت دیگر، او بازگشت به قرآن را به معنای بریدن از سنت های رایج در میان علمای بزرگ جهان اسلام نمی بیند و از جایگاه اجتهاد و سنت، سخن از بازگشت به قرآن می گوید.

خردمندی و دینداری

در بسیاری از آثار آیت الله اصفی، تأکید بر عقلانیت و خردگرایی به چشم می خورد. گویی ایشان خرد و رفتار عقلانی را گمشده انسان می داند و همواره می کوشد آن را فریاد انسان آورد. نمونه های بسیاری از عبارات او را می توان نشان داد که حاوی چنین تأکید و توصیه ای است؛ اما در این جا به پیام ایشان به مناسبت درگذشت علامه سید محمدحسین فضل الله بسنده می کنیم که در آن، مهم ترین ویژگی های آن مجاهد بزرگ را عقلانیت و انسان دوستی او می شمرد:

۱. همان، ج ۳، ص ۱۷.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۱۲.

بسم الله الرحمن الرحيم. من این کلمات را با شدیدترین و عمیق‌ترین تأسفات می‌نگارم؛ زیرا فقید شما و فقید ما و فقید امت اسلامی در بلندای اخلاق و ارزش‌ها و معیارها قرار داشت. من در این فراق با همه فرزندان امت اسلامی در همه جا مشارکت می‌ورزم. ما با افتخار تمام، «عقلانیت نورانی» و «انسانیت عمیق» و تاریخ با شرافت و مواضع اصیل او را زنده نگه می‌داریم و تا زنده‌ایم هیچ گاه پاک‌ی و اصالت و بزرگواری او را فراموش نمی‌کنیم. آن راحل کبیر بهترین اخلاق درست و علم فراوان و ادب بسیار را در امت اسلامی تبلور بخشید. او مکتب یگانه‌ای بود که به اندیشه و نظریه‌پردازی اکتفا نکرد؛ بلکه در بالاترین سطح با تلاش‌های عملی خیریه و اقدامات جرأت‌مندانه مؤثر به گفتار، غنا بخشید.

بنگرید که وی چه خصال‌ی را در آن فقید سعید برجسته می‌کند: عقلانیت نورانی، انسانیت عمیق، تاریخ با شرافت و مواضع اصیل. به واقع ایشان خود نیز در پی این صفات و خصال است. عقلانیت، دین را از جهنم خرافه و تحجر بیرون می‌آورد؛ انسانیت عمیق، یعنی خدمت به انسان‌ها بدون شعار و غوغاگری؛ تاریخ با شرافت، یعنی گذران عمر در آنچه برای همگان خیر است، و مواضع اصیل، یعنی فتاوا و موضع‌گیری‌ها و باورهای که ریشه در نصوص دارند، نه در توهّمات و جوسازی‌های موسمی.

ایشان همچنین در نامه‌ای به پادشاه عربستان، ضمن درخواست آزادی شیخ نمر، رهبر شیعیان عربستان، تأکید می‌کند که:

«حق آزادی در آرای سیاسی، از حقوق اولیه هر انسانی در اسلام و سازمان‌های حقوق بشری جهان است و آیت‌الله النمر نیز در دفاع از حق اتباع اهل بیت علیهم‌السلام در حجاز سخن گفته و خواهان حقوق شهروندی آنان شده است و موضوع بالاتر از این نبوده است.»^۱

۱. پایگاه خبری شیعه نیوز، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۶/۰۱، کد خبر: ۷۶۸۵۲. نیز ر.ک: پایگاه مجازی مجمع

جهانی اهل بیت علیهم‌السلام بخش «پیام‌ها و بیانیه‌ها».

درخواست آزادی شهروندان در ابراز آرای سیاسی خود و مستندسازی آن به قوانین اسلامی و جهانی، حکایت از آن دارد که معظم له، چنین حقوقی را برای هر انسان و مسلمانی محترم می‌شمارد و می‌دانیم که چنین توصیه‌ها و استنادهایی، به‌ویژه در این روزگار پر آشوب، بسیار راه‌گشا است.

در مسئله تمدن و مدنیت نیز آیت‌الله اصفی، دیدگاه روشنی دارد. به اعتقاد ایشان، توسعه اقتصادی، گرچه هدف نیست، اما «نتیجه» است و باید آن را انتظار کشید:

آیا توسعه، غایت و تکلیف است یا نتیجه؟ آنچه ما از قرآن می‌فهمیم این است که توسعه «نتیجه» است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۱ نباید به دنبال توسعه غربی بود. مردم ما نباید توقع داشته باشند که ما در سی و اندی سال که از انقلاب می‌گذرد، بتوانیم اولاً تمدن و توسعه‌ای نظیر توسعه غرب داشته باشیم و ثانیاً آن توسعه به درد ما هم نمی‌خورد که برای خود غربی‌ها مصیبت‌ها و تناقض‌های فراوانی ایجاد کرده است. آن راه طولانی را که غرب - تقریباً در ۲۵۰ سال، یعنی از قرن هجدهم تا امروز - طی کردند، ما نمی‌توانیم در سی و اندی سال طی کنیم و به نتایج مشابهی برسیم.^۲

از دیدگاه‌های بسیار مهم و خردمندانه ایشان، تکیه بر راه‌کارهای فرهنگی برای حل مشکلات جهان اسلام است. بدین رو تأکید بسیاری بر فعال‌سازی دانشگاه‌ها در عرصه فرهنگ دارند. از سوی دیگر، ارتقای دانشگاه‌ها را نه در تغذیه از دانش غربی می‌دانند و نه در قطع ارتباط با آنها:

در صد و پنجاه سال گذشته، ما نتوانستیم رابطه دانشگاه‌ها را در کل جهان اسلامی با دانشگاه‌های غرب دوسویه کنیم؛ یعنی تعامل و داد و ستد داشته باشیم... امروز توسعه، یعنی علم و قدرت. اگر نتوانیم سطح

۱. سوره توبه، آیه ۱۲۲.

۲. بخشی از سخنرانی معظم له در نخستین نشست «اندیشه‌های راهبردی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۵، خبرگزاری فارس، شماره خبر: ۸۹۰۹۱۵۱۳۲۷. برای آشنایی بیشتر با آرای اقتصادی ایشان ر.ک: فصل‌نامه فقه/هل بیت، فارسی، شماره ۷، دی ماه ۱۳۸۸.

دانشگاه‌ها را بالا ببریم و به سطح دانشگاه‌های غربی برسانیم، نمی‌توانیم به آن حد از توسعه دست یابیم.^۱

اندیشه‌های فقهی و کلامی

درباره اعتقادات کلامی و فقهی و نیز حکومتی آیت‌الله محمد مهدی آصفی، به همین مقدار بسنده می‌کنیم که وی در این زمینه‌ها بیشتر بر مشی جمهور بوده است و نوآوری را به بدعتها نیالوده و همواره از موضع تحقیق و بر پایه نصوص سخن گفته است. اما آنچه در آثار ایشان به چشم می‌خورد، تعمیق مبانی و گسترش مطالب است. همچنین با همه نگاهی که به جلو دارد، سنت‌ها، به‌ویژه سنت‌های شیعی را از یاد نمی‌برد.

دیدگاه‌های ایشان درباره جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در فهم دینی و اجتهاد شرعی، از چنان صلابت و اصلاتی برخوردار است که می‌توان آن را نمونه روشن و زلال اندیشه‌های معرفت شیعی نامید. بنابراین آرای کلامی و فقهی معظم له، بیشتر همان آرای کلامی و فقهی جمهور علمای شیعه در اعصار گذشته تا اکنون است؛ اگرچه ایشان از راه اجتهاد - نه تقلید - به آنها رسیده و در تعمیق و گسترش آنها بسیار کوشیده است.

گفتنی است که اندیشه‌های تقریبی آیت‌الله آصفی، او را از مبانی و اعتقادات رایج شیعی دور نکرده است؛ بلکه همچون هر مجتهد دیگری که مدافع علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام است، میدان دفاع از عقاید امامیه را خالی نگذاشته است. نمونه راه، وقتی می‌شنود کسی در سند زیارت عاشورا تردید کرده است، در مقاله‌ای می‌نویسد:

«به تازگی کتابی خواندم که به وسیله یکی از پژوهشگران معاصر نوشته شده بود. نویسنده، در آن کتاب، در سند زیارت عاشورای معروف تشکیک کرده و معتقد بود که بند پایانی زیارت، یعنی لعن‌های اختصاص یافته به پنج نفر، به متنی که توسط شیخ طوسی در *النصباح* نقل گردیده، اضافه

شده و در نسخه اصلی کتاب نبوده است. همچنین این بند در متنی هم که ابن قولویه در *کامل الزیارات* نقل کرده، وجود ندارد و فقط در نسخه های چاپ شده مصباح المتعهد به چشم می خورد... این پرسش به ذهنم خطور کرد که چرا نویسندۀ سعی دارد در سند این زیارت تردید روا دارد، در حالی که در این زیارت، بحثی فقهی طرح نشده است تا در آن مسئله فقهی نیازمند جست و جوی حجت باشیم؟ و نیز در این زیارت، چیزی نیست که با اصول مسلم اعتقادی ما یا کتاب خدا و یا سنت قطعی مخالف باشد تا برای دستیابی به واقعیت، نیازمند دلیل و استدلال باشیم... مردم با این زیارت شریف الفت دارند و آن را از نسلی به نسل دیگر رسانده اند. نویسندۀ این زیارت را نفی نکرده است و مدعی ساختگی بودن آن نیست، بلکه فقط در سند آن تشکیک کرده است. اما عموم مردم - که اهل فن نیستند - تصور می کنند که نتیجه این پژوهش، ساختگی دانستن زیارت عاشورا است؛ در حالی که این معنا، به یقین، مورد نظر مؤلف نبوده است. حال که چنین است، چرا نویسندۀ سعی در دامن زدن به سردرگمی مردم در خصوص این زیارت مشهور - که از نسلی به نسل دیگر رسیده است و علمای بزرگ نسبت به خواندن آن مواظبت می کردند - دارد؟ در این نوشتار، اولاً، بر آن هستیم که نگاهی به سند این زیارت انداخته، اعتبار این روایت را از ناحیه سند به اثبات رسانیم و ثانیاً، درستی این زیارت را با قراین موجود در اسناد پنج گانه اش، نزد ابن قولویه و شیخ طوسی، حتی با فرض عدم اعتبار سند آن، ثابت کنیم.^۱

همچنین در کتاب «آیه تطهیر» از مجموعه «در آینه وحی» می نویسد:

«آیه تطهیر،^۲ کلید فهم بسیاری از سخت ترین و پیچیده ترین مسائل اسلامی است. این آیه سعی دارد چگونگی حل مشکلات و مسائل اصلی و فرعی اسلام را پس از فوت پیامبر ﷺ بیان کند.»^۳

۱. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم حدیث، ش ۵۳، مقاله «دفاع از زیارت عاشورا».

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.

۳. آیه تطهیر، ص ۱۳.

از دیگر ویژگی‌های مهم ایشان در مسائل دینی، پرهیز از صدور فتوا، مگر در صورت تحقیق کامل و اجتهاد فقهی است. بدین رو تا آنجا که فرصت و مجال بوده است، فتاوی‌ای خود را در ضمن مقالات علمی، اظهار داشته است تا حجت را بر خود و دیگران تمام کند.^۱

نمونه دیگر در خاطره‌ای است که خود نقل می‌کند:

حدود سی سال پیش در کویت، به شیخ احمد مصطفی الزرقا که فقهی دانشمند و یکی از اعضای مؤسس دایرة المعارف فقهی کویت بود، گفتم: این کار بسیار بزرگی را که شما شروع کردید یک نقص بزرگ دارد. شما فقه اهل بیت علیهم‌السلام را مطلقاً فراموش کردید و نامی از فقه اهل بیت علیهم‌السلام نیاوردید. ایشان قول داد که این مسئله را با مسئولین مطرح کند؛ ولی متأسفانه اثری دیده نشد و این دایرة المعارف همچنان بی‌توجه به فقه اهل بیت منتشر می‌شود.^۲

باورهای ایشان درباره فقه اهل بیت علیهم‌السلام نیز خواندنی است:

«فقه اهل بیت علیهم‌السلام ویژگی‌هایی دارد که شاید در مکاتب دیگر یافت نشود... این فقه قدرت تفریعی فراوانی دارد. من تا حدودی در فقه مذاهب، مطالعاتی دارم. در فقه شافعی، حنفی، حنبلی و مالکی و همچنین در فقه

۱. برای نمونه بنگرید مقاله اجتهادی و پژوهشگرانه ایشان را درباره «حکم بازیگری زن در فیلم و تئاتر» در نشریه فقه اهل بیت علیهم‌السلام، شماره ۲۲. در این مقاله، ایشان در یک بحث کاملاً اجتهادی، به تفصیل همه وجود مسئله را بررسی کرده و در بیش از ۵۰ منبع روایی و فقهی بازنگری کرده و در پایان به نتایج بسیاری رسیده است؛ از جمله: پخش بازی‌های زنان روباز که ملتزم به حجاب شرعی نیستند و به نهی گوش نمی‌دهند - مسلمان باشند یا کافر - در صورتی که تحریک کننده نباشد، جایز است. بنابراین، پخش فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شود، در صورتی که متین و با حیا بوده و تحریک کننده نباشد، اشکال ندارد. پخش صدای بدون ناز و کرشمه زنانه جایز است. نیز پخش صحبت‌های میان زن و مرد، زمانی که همراه با تحریکات غریزه جنسی نباشد، جایز است. نگاه مردان به بدن زنان و موهای آنان حرام است؛ همان طور که نگاه زنان به بدن مردها حرام می‌باشد؛ اما نگاه عادی و بدون خیره شدن به دست و صورت زن جایز است... نگاه به صورت زن برای فیلم‌برداری و مراحل جانبی آن، بدون قصد لذت جایز است؛ اگرچه لذتی بدون اختیار به وجود آید...

۲. فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۳۲، ۱۱/۱۱/۱۳۸۸.

زیدی و ظاهری مطالعاتی دارم. می‌توانم با یقین بگویم قدرت تفریعی که در فقه اهل بیت علیهم‌السلام هست، در هیچ یک از اینها نیست... امتیاز دیگری که مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دارد، انفتاح اجتهاد است. باب اجتهاد در دیگر مذاهب اسلامی متأسفانه به دلایل سیاسی بسته شده است و اجتهاد در مذاهبی معین و معروف متوقف شد؛ ولی در مکتب فقهی شیعه از روز اول، اجتهاد به طور جدی معمول بود تا به امروز و به هیچ وجه حرکت اجتهاد متوقف نشد، حتی ما فقهای بزرگی مثل شیخ طوسی داریم که در هزار سال پیش تا اندازه زیادی فقهای قبل و بعد از خود را تحت الشعاع قرار داد ولی با آن مقام و عظمتی که شیخ طوسی داشت حرکت اجتهاد متوقف نشد و فقهایی که بعد از او آمدند در آرای فقهی، متکی بر مکتب شیخ نشدند. در دوران معاصر هم ما دو فقیه بزرگوار داریم که فقهای قبل و بعد از خود را تا اندازه‌ای تحت الشعاع قرار داده‌اند: یکی صاحب جواهر است و دیگری شیخ انصاری. این دو فقیه بسیار بزرگ و تأثیرگذار بودند؛ ولی ما در تاریخ معاصر فقهی خودمان به هیچ وجه نمی‌بینیم که حرکت علمی فقه و اصول پس از این دو فقیه بزرگوار متوقف شده باشد.»

«مکتب فقهی اهل بیت علیهم‌السلام امتیازات فوق‌العاده‌ای دارد و به تمام معنا از لحاظ علمی یک مکتب قانون‌مند است. مثلاً در هیچ مکتبی نداریم که میان امارات و اصول، ترتیب طولی بدهند و اینها را در عرض هم نگذارند. فقهای ما اصول و امارات را در دو ردیف کاملاً ممتاز از هم قرار می‌دهند و یکی را حاکم بر دیگری نمی‌کنند. همچنین است تقسیم‌بندی‌هایی که در ادله و احکام و عناوین صورت گرفته است؛ از قبیل ادله اولی و ثانوی، احکام اولی و احکام ثانوی، عناوین اولی و عناوین ثانوی، احکام واقعی و احکام ظاهری. اینها از اختصاصات و امتیازات فقه شیعه است. این تفصیلات فقهای ما، مبنای استنباط و اجتهاد را به طور جدی قانون‌مند می‌کند؛ همان طور که یک ریاضی‌دان روی اصول ریاضی سیر می‌کند، فقهای ما مخصوصاً فقهای معاصر، حرکت فقهی را روی قانون خاصی

پیش می‌برند. این قانون‌مندی اگر در اختیار مکاتب دیگر قرار بگیرد، فقه اسلامی را غنی‌تر می‌کند.^۱

اخلاق‌گرایی

درباره شخصیت اخلاقی و معنوی معظم^{له}، به‌واقع باید در نوشتاری جداگانه سخن گفت تا شاید اندکی از عهده^۱ حق مطلب برآمد؛ اما در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنیم که آیت‌الله محمدمهدی آصفی را باید یکی از پارساترین روحانیان شیعی در عصر حاضر به شمار آورد. به‌رغم دسترسی آسان به منابع مالی فراوان و اعتماد کامل مردم و مراجع به ایشان، هرگز زندگی خود را از زی^۲ طلبگی بیرون نیاورد و کسانی که ایشان را از نزدیک می‌شناسند، می‌دانند که چه اندازه بر خود سخت می‌گیرد. کسی که عمر خود را وقف دین و مردم کرده است، چگونه زندگی خویش را چنان بیاراید که رشک مردم باشد؟ زندگانی آیت‌الله آصفی، نمونه‌ای است که می‌توان همه^۳ مسئولان و مسلمانان را به آن ارجاع داد و گفت: این است سیرت و صورت خوبان و پاکان. آنچه دیگران به زبان می‌گویند، او به عمل آورده است و آنچه دیگران از مردم می‌خواهند، او بر خود هموار کرده است. خانه‌اش در قم و نجف، چنان ساده و بی‌پیرایه است که زندگی در آن برای بسیاری از طلاب مبتدی نیز دشوار است. سهم امام را جز در راهی که یقین به خشنودی امام علیه السلام دارد، هزینه نمی‌کند و خود را جزئی از اسلام نمی‌داند که هر هزینه‌ای را برای زندگانی خویش، مباح شمارد.^۲ بر خلاف برخی از معاصران، او نه تنها دین را برای خود هزینه نمی‌کند، بلکه هر جا که لازم بوده است، زندگی شخصی خویش را در راه دین به حراج گذاشته است.^۳

۱. همان.

۲. بسیاری از گشاده‌دستی‌ها در مصرف سهم امام علیه السلام از آن رو است که برخی خود را جزئی از اسلام می‌دانند و به این بهانه، هر گونه توسعه‌ای را در زندگی خویش، خدمت به اسلام می‌شمارند!

۳. نمونه‌ای در خاطرهای برخی همراهان ایشان آمده است: «در ایام جنگ تحمیلی عراق، من از سوی شهید حکیم جهت تأمین حقوق نیروهای سپاه بدر به ایشان مراجعه کردم. ایشان بلافاصله با فروش خودروی شخصی خود، دو میلیون تومان تحویل من داد.»

ای خوشا دولت آن مست که در پای حریف

سر و دستار نداند که کدام اندازد^۱

حتی اگر کسی با اندیشه‌ها و مشی سیاسی - اجتماعی آیت‌الله آصفی مخالف باشد و نخواهد به آن تاسی کند، نمی‌تواند زندگی زاهدانه و پاکیزه ایشان را نادیده بگیرد و روی از آن برتابد. در کمال اطمینان و با ضمیر آرام می‌توان زندگی این وارسته‌مرد را به همه عالمان دین نشان داد و از آنان خواست که اگر می‌خواهید در میان مردم، نفوذ کلام بیشتری داشته باشید، راه همین است که آیت‌الله آصفی، از نوجوانی تا امروز پیموده‌اند.^۲

آیت‌الله آصفی، از شمار کسانی است که اخلاق را در صدر می‌نشانند و خود نیز به‌جد بدان پایبند است.

«در تهذیب نفس، دو مسلک وجود دارد: ... یک مسلک معتقد است که اولویت برای یک طلبه همیشه مسائل علمی، مطالعات و تحقیق در علوم است و بیشتر وقت طلبه باید صرف چنین برنامه‌هایی شود و برنامه‌های تهذیبی در کنار آن قرار داشته باشد. مسلک دیگر معتقد است اولویت برای یک طلبه، باید مسائل مربوط به تهذیب نفس باشد و تهذیب نفس همیشه در اولویت قرار دارد؛ البته نه به معنای تضعیف کارهای تحقیقی، علمی و پژوهشی. بنده خود بیشتر به مسلک دوم متمایل هستم؛ هر چند خود تهذیب نشده‌ام و آن تهذیبی که برای یک طلبه لازم است، نیافتم. به اعتقاد من یک طلبه همیشه باید مسائل تهذیب نفس و تکامل روحی خود را در اولویت قرار دهد و این کمال را می‌تواند از دو راه تحصیل کند: یکی از راه برنامه‌های عملی که بسیار مفید و سازنده هستند؛ از قبیل نماز شب، گریه و زاری، و خلوت کردن با خداوند در شب‌ها و قرائت قرآن در نیمه‌شب‌ها که روشنی‌بخش دل‌ها و توان‌بخش عقل‌ها است؛ سینه‌ها را

۱. حافظ.

۲. غیر از شخصیت اخلاقی و معنوی، یکی از دلایل زهدورزی و پارسامنشی ایشان، خاندان پدری و مادری‌شان است. پدر و پدربزرگشان (مرحوم آیت‌الله محمدتقی بروجردی، مولف نه‌ایه‌الافکار) نیز همین مشی و منش را داشتند و در روزگار خود به پارسایی و تقوایشگی شهره بودند.

فراخ و منشرح می‌کند، عقل‌ها را نیرومند و توانا می‌کند. البته این بدین معنا نیست که یک نفر محصل علوم دینی به دلیل پرداختن به مسائل تهذیب نفس، در مسائل علمی و تحقیقی کوتاه بیاید. مسائل علمی و تحقیقی برای یک نفر محصل علوم دینی بسیار مهم است. در جامعه به روحانی عالم می‌گویند؛ عالم یعنی دانشمند. برای اینکه یک طلبه دانشمند و عالم شود، باید توان علمی خود را بالا ببرد، ولی به حسب تجربیاتی که ما دیدیم، افرادی که به خود توجه داشتند و خود را ساختند، عمر آنان، آثار و برکاتی داشته است که این آثار و برکات در عمر اصحاب مسلک اول نبوده است. همین شیخ اعظم انصاری - قدس الله نفسه - که صاحب آن همه نوآوری در اصول فقه است و مکتب اصولی این عصر را ایشان پایه‌گذاری کرده‌اند، وقتی به حالات ایشان مراجعه می‌کنیم، آشکارا می‌بینیم که ایشان به نقش تربیت روح و پرورش روح اهمیت فوق العاده‌ای می‌داد؛ ولی در عین حال، یک محقق و یک عالم زحمت‌کش به تمام معنا بود.»

«آموزش باید در کنار پرورش باشد. این یک قاعده عمومی است. در هر تخصصی آموزش باید در کنار پرورش باشد؛ به هر اندازه که قدرت علمی انسان بالا می‌رود، به همان اندازه باید قدرت روحی و تهذیب نفس او بالا برود. این یک قاعده است و خلاف این قاعده نتایج تلخی برای انسان داشته است. اما پرورش در خصوص طلاب علوم دینی که خود را برای تربیت جامعه آماده می‌کنند و نقش اساسی و عمده آینده آنها تربیت جامعه است، اهمیت مضاعفی دارد؛ چون یک محصل علوم دینی خود را برای تربیت نسل‌های آینده آماده می‌کند و چنین کسی، تا خود از مراحل عالی پرورش و تزکیه و تهذیب نفس بهره نبرده باشد، نمی‌تواند چنین نقشی را به نحو مطلوب ادا کند.»

«همیشه در کنار و همراه علما، فقها و مدرسین حوزه که وظیفه آموزش در حوزه را به عهده داشتند مربیانی هم بوده‌اند که نقش پرورش را بر عهده داشتند. البته چون در حال حاضر، حوزه‌ها توسعه پیدا کرده، شاید تقارن و توازن این دو محسوس نباشد. ما وقتی به روزگار پیشین حوزه مراجعه

می‌کنیم، می‌بینیم که همیشه علما و مدرسینی بودند که وظیفه آنها تدریس و آموزش بود و در کنار آنها مربیانی بودند که رسالتشان پرورش بود. پرورش، ساختن است و سازندگی نیاز به استادی دارد که گام به گام همراه انسان باشد و مراحل مختلف تکامل روحی و تهذیب نفس طالب علم را ملاحظه کند و همیشه نقاط ضعف روحی او را به او تذکر دهد و بتواند او را به مرحله‌ای برساند که ممکن باشد، به نفس خود اعتماد کند. برای حوزه‌های علوم دینی در کنار علمایی که وظیفه تدریس دارند، وجود مربیانی این چنین، یک ضرورت است. در عرف حوزه چنین بوده است که مدرسین در هفته وقت مخصوصی را برای پرورش، تربیت و موعظه اختصاص می‌دادند؛ ولی این مقدار کافی نیست. دست یک طلبه همیشه باید در دست یک مربی باشد که گام به گام همراه و مراقب او باشد و نقاط ضعف او را تذکر دهد. بزرگان حوزه ما غالباً چنین مربیانی داشتند. از جمله این مربیان در حوزه علمیة نجف، می‌توان مرحوم علامه آیت‌الله قاضی - رحمه الله - را نام برد که برای علامه طباطبایی - قدس الله نفسه - صاحب تفسیر المیزان، حکم مربی را داشتند.»

«در حوزه‌ها برای پرورش دو قسم کار انجام می‌شود: یک قسم برنامه‌های عملی است که امروز هم در حوزه علمیة قم متعارف است. طلاب علوم دینی در سال چند روز را به اعتکاف می‌گذرانند و مساجد جامع قم، مملو از طلاب علوم دینی می‌شود. گاهی شمار معتکفین حوزه علمیة قم به چندین هزار نفر می‌رسد که بسیار برنامه خوب، سازنده و مفیدی است. دیگر، التزام و تعهد به نماز شب و نوافل شبانه و... است. اینها بهترین برنامه‌های سازنده برای یک طلبه است. در نجف هم برنامه‌های دیگر و از نوع دیگر متعارف بود. به غیر از اعتکاف، شب‌های چهارشنبه به مسجد سهله می‌رفتند و شب را به تهجد می‌گذراندند.»^۱

اندیشه سیاسی

نوآوری‌های فقهی آیت‌الله آصفی، بیشتر در حوزه فقه سیاسی و احکام سلطانی است^۱ که واکاوی آنها نیاز به گفتاری درازدامن دارد. آیت‌الله آصفی باب‌های جدیدی نیز در فقه گشوده است که ثمره نیم قرن حضور در اجتماعات مختلف است؛ مانند «فقه الاعتراض» که پیشینه مستقلی ندارد. همچنین نگاه ایشان به تاریخ اسلام و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام به‌خصوص در تفسیر قرآن، حایز اهمیت است. اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله آصفی نیز در کتاب‌های مهمی مانند ولایة الامر و کتاب جهاد در قرآن که به زبان‌های مختلف ترجمه شده است، درج گردیده است.

آرای سیاسی آیت‌الله آصفی، به‌ویژه در مسئله حکومت مشروع، در آثار ایشان کاملاً روشن است؛ اما خلاصه و عصاره آن را نیز در گفت‌وگویی با مجله علوم حدیث گفته است. از این گفت‌وگو چنین برمی‌آید که ایشان اعتقاد دارد که در اسلام بعد از اصل توحید، ولایت مهم‌ترین اصل است و رسالت نیز در همین اصل مندرج است:

«ولایت باعث دوام جامعه اسلامی است و بدون ولایت نه امتی هست و نه امامتی، و از اسلام جز مجموعه‌ای از قوانین الهی چیز دیگری نمی‌ماند. آنچه از اسلام نیرویی محرک، مبارز و سازنده می‌سازد، ولایت است و اگر ولایت نباشد، به قول امام حسین (ع): وعلى الإسلام السلام. حتی نماز و روزه و حج و زکات که جزء مسلمات و ضرورت‌های اسلام است، به وسیله ولایت و امامت در جامعه تحقق و تبلور پیدا می‌کند. از این رو است که در روایات ما آمده است که اهمیت اصل ولایت، از نماز و روزه هم بیشتر است. در روایتی از امام باقر علیه‌السلام آمده است که "بُنِيَ الإسلام على خمسة أشياء، على الصلوة والزکوة و الصوم والحج والولاية." زراره راوی حدیث سؤال می‌کند: وای شیء من ذالک أفضل؟ امام علیه‌السلام می‌فرماید: "الولاية

۱. برای نمونه ایشان در کتاب *مبانی نظری حکومت اسلامی*، بررسی فقهی تطبیقی، روایاتی را که ولایت فقیه را منحصر در امور حسبه می‌کند، تقیه‌ای می‌خواند و دلایلی بسیار بر این امر اقامه می‌کند.

افضل، لانها مفتاحهن والوالی هوالدلیل علیهن... الولاية ذروة الأمر وسنامه ومفتاحه وباب الأشیاء ورضی الرحمن الطاعة الامام بعد معرفته.^۱ حدیث مشهور غدیر نیز در خصوص ولایت آمده است که در آن، رسول الله ﷺ امام علی علیه السلام را بعد از خود برای ولایت مسلمانان معین می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله با این کار دو مطلب را صریحاً به مسلمانان اعلان می‌کند: یکی آنکه امر ولایت و امامت امت بعد از وفات ایشان نیز به قوت خود باقی است و چنین نیست که با وفات رسول الله صلی الله علیه و آله، رهبری سیاسی و اجتماعی و نظامی امت رها شود؛ دوم آنکه امام علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از ایشان با نصب و تعیین الهی امام مسلمانان و ولی امر ایشان خواهد بود... به دلیل اهمیتی که رسول الله صلی الله علیه و آله برای ولایت و امامت قائل بود، و حساسیت بسیار بالای مسئله ولایت و امامت مسلمانان، حدیث غدیر شیوع فوق‌العاده‌ای در کتب حدیثی دارد و فکر نمی‌کنم حدیثی در اسلام به درجه تواتر قطعی حدیث غدیر برسد. شیعه معتقد است ولایت و امامت، به امر خدا است و هیچ ولایتی و امامتی بی اذن خدا مشروعیت ندارد... پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در طول بیست و سه سال رسالت، هیچ پیامی را جز پیام توحید، با چنین اهتمام و تدارک وسیع و در حضور چنین جمعیت عظیمی ابلاغ نکرده است... حق تعیین سرنوشت مردم با الله است و فقط او ولایت مطلق بر سرنوشت انسان دارد و هر ولایت مشروعی باید به اذن و امر او باشد. ولی خداوند این حق را به مردم تفویض کرده و مردم به مقتضای این تفویض الهی می‌توانند امام و ولی امر خود را به اراده خود انتخاب کنند. نظریه تفویض الهی با اصل توحید منافات ندارد؛ ولی مسئله این است که آیا دلیلی در کتاب و سنت بر چنین تفویضی داریم؟ این جانب تا آنجا که در کتب فقهی و کلامی تفحص کردم، دلیلی بر این تفویض و اگذاری ندیدم؛ اگرچه فقها و متکلمان اهل سنت بر صحت خلافت به اجماع، شورا و بیعت استناد کرده‌اند... راه دومی که برای مشروعیت انتخاب

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۸، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۳۲، ح ۶۸.

مردم در نظر می‌گیرند، «شورا» است، با این توجیه که مشروعیت شورا در چند موضع از قرآن تثبیت شده است... در این دلیل خلل واضحی به چشم می‌خورد که اجمالاً به آن اشاره می‌کنیم: در قرآن و حدیث قطعاً امر به شورا شده، ولی هیچ دلیلی بر اینکه نظر شورا برای مردم و یا برای حاکم الزام‌آور است، نداریم. قرطبی در تفسیر آیهٔ وشاورهم فی الامر (تفسیر قرطبی ج ۴، ص ۱۶۲) می‌گوید: "الشوری منبئة علی اختلاف الاراء والمستشیر ينظر فی ذلک الخلاف وينظر اقربها قولاً الى الكتاب والسنة ان امکنه، فاذا ارشده الله تعالى الى ماشاء منه عزم عليه و انفذه متوکلاً علیه." با کمی دقت در آیهٔ یکصد و پنجاه و نهم سورة آل عمران به وضوح دانسته می‌شود که شورا، لازم است، ولی الزام‌آور نیست؛ چون آن آیه دو مقطع دارد: مقطع اول آن اشاره به این مطلب است که شورا برای ولیّ امر لازم است (وشاورهم فی الامر) و مقطع دوم آن اشاره به این مطلب دارد که ولیّ امر بعد از تصمیم‌گیری با توکل به خدا به آن عمل می‌کند (وإذا عزمت فتوکل علی الله). مسئلهٔ امامت و ولایت امر از مسایلی است که جز با الزام تحقق پیدا نمی‌کند، در حالی که کسی که با مشورت اهل حلّ و عقد به امامت می‌رسد، اطاعت او به هیچ دلیلی برای دیگران لازم نیست. ما در قرآن و سنت رسول الله ﷺ هیچ دلیلی ندیده‌ایم که اگر امام با مشورت اهل حلّ و عقد و یا جمع عظیمی از امت انتخاب گشت، اطاعت از آن امام برای مردم واجب باشد. در اینجا ممکن است سؤال شود که در این صورت، مشورت کردن و مشورت دادن چه فایده‌ای دارد که قرآن چنین به آن اهمیت می‌دهد. جواب این است که مشورت برای آگاهی بیشتر ولیّ امر از مسایل سیاسی و مشارکت مردم بسیار مفید، بلکه ضروری است. پس از اجماع و شورا نوبت به بیعت می‌رسد. بیعت از نظر فقهی به سه گونه توجیه شده است: اول آنکه بیعت هیچ ارزش تأسیسی ندارد و فقط تأکید بر وجوب طاعت ولیّ امر است؛ به این دلیل که حضرت رسول الله ﷺ در دوران رسالت خود سه بار از مسلمانان بیعت گرفت و در هر سه مورد اطاعت مسلمانان از رسول الله ﷺ ناشی از بیعت نبود، بلکه ناشی از امر خداوند متعال بود. بیعت اول حضرت ﷺ بیعت دعوت در

عقبه، بیعت دوم بیعت جهاد بود در شجره، و بیعت سوم بیعت ولایت و وصایت بود در غدیرخُم. نظریهٔ دوم در توجیه بیعت این است که بیعت شرط صحت اطاعت از امام است، به این شرح که تعیین امام و اطاعت از امام هر دو به امر خداوند است، ولی صحت این اطاعت مشروط به بیعت است، نه اینکه اصل اطاعت متوقف بر بیعت باشد، از قبیل توقف صحت نماز بر وضو (شرط واجب). نظریهٔ سوم در توجیه فقهی بیعت این است که بیعت شرط وجوب طاعت است، نه شرط صحت، به این معنا که قبل از بیعت اطاعت واجب نیست و با بیعت، اطاعت واجب می‌شود؛ از قبیل توقف وجوب حج بر استطاعت و توقف وجوب زکات بر نصاب (شرط وجوب، شرط وجود). در این صورت اگر خود بیعت واجب باشد، چنانکه هست، بیعت با امام لازم و پس از تحقق بیعت، اطاعت هم واجب می‌شود. مطابق این نظریه، این طور نیست که مردم در تعیین و انتخاب امام و ولی امر آزاد باشند و هر که را که بخواهند برای امامت و ولایت انتخاب کنند. بنابراین نظریه تفویض امر انتخاب امام به مردم از طرف خدا مدرک صحیحی در اسلام ندارد.^۱

دربارهٔ اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله آصفی بیش از اینها می‌توان سخن گفت. به گفتهٔ یکی از محققان:

متفکران در حوزهٔ اندیشه‌های سیاسی دو گونه‌اند: برخی اندیشه‌های سیاسی سهل الوصول و تک‌بعدی دارند و برخی چند بعدی یا جامع، پرداختن به اندیشه‌های سیاسی این دسته از متفکران مشکل است چرا که مباحث فلسفهٔ سیاسی، اخلاق سیاسی، عرفان سیاسی، مدیریت سیاسی، مباحث روز جهان اسلام و انقلاب اسلامی و غیره را دارند. به گفتهٔ وی علامه آصفی از جمله متفکران بخش دوم است. که برای نمونه می‌توان به تأثیری چون ولایه الامر، فقه المقاومة، فقه الاعتراض، دروس من ثوره الاسلامیه فی ایران از ایشان اشاره کرد. در تبیین اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله آصفی باید از روش میان‌رشته‌ای استفاده کرد. این روش بر این

۱. فصلنامه علوم حدیث، شماره ۷، ۴/۱۰ / ۱۳۸۶.

نکته تاکید دارد که وقتی در حال بررسی اندیشهٔ سیاسی یک متفکر هستیم باید بسته‌های دانشی جدا درست شود و در هنگام استفاده از آن بتوان در جای خودش از آن بهره برداری کرد. اندیشهٔ آیت‌الله آصفی جزو اندیشه‌هایی است که داروی امروز جهان اسلام است؛ ولی به دلیل تلاش ایشان برای گمنامی و گمنام زیستن، مورد غفلت قرار گرفته است.^۱

اندیشه‌های اصلاحی

آیت‌الله آصفی را باید احیاگر اندیشه‌های صالح و کسانی همچون آیت‌الله مظفر و شهید سید محمدباقر صدر دانست. اندیشه‌های اصلاحی این گروه که در پی تأسیس «اجتماع صالح» بودند، در همهٔ آثار علمی و عملی معظم له می‌توان دید. دربارهٔ آرای اصلاحی آنان در زمینهٔ جامعه و جهان اسلام، بیش‌وکم در بخش «اندیشه‌های سیاسی» سخن گفتیم؛ آنچه ناگفته مانده است، آرای ایشان در اصلاح ساختار اداری و روش‌های حوزه‌های علمیه است. اهمیت این مسئله، در آنجا است که آیت‌الله آصفی، اعتقاد دارند که اصلاح ساختار مدیریتی و تعلیمی حوزه، آثار بسیار مبارکی بر جامعهٔ دینی دارد. به باور ایشان:

«حوزهٔ علمی قم در حال تکامل و رشد و پویایی است... امکانات و نیروهای زیادی برای تکامل حوزه، مصرف شده و تلاش فراوانی برای تکامل حوزه و تفکیک رشته‌ها و اهمیت دادن به مسائل تهذیب نفس و توجه به واقعیت‌های زمان در پرورش و تربیت طلاب وجود دارد. مسئلهٔ دیگری که در مورد آموزش لازم می‌دانم، محدود کردن سطح‌ها است. اکنون در نظام دانشگاهی این مشکل حل شده و سطح‌ها محدود است. کارشناسی، کارشناسی ارشد، کارشناسی‌های فوق تخصصی و... سطح‌ها از نظر زمان و کار مشخص است. در حوزه‌ها هم سطح‌های علمی باید به نحوی از هم جدا شود تا یک طلبه بداند که تا چه سطحی باید درس بخواند و خود را برای چه کاری آماده کند و به چه مقدار زمان نیاز دارد. از

۱ بخشی از سخنرانی دکتر نجف لک‌زایی در «نشست علمی اندیشهٔ سیاسی علامه آصفی» در سالن همایش‌های دفتر تبلیغات اسلامی.

دیگر مسائلی که برای آموزش لازم است، درس‌هایی است که در سطح کارشناسی فوق تخصصی تدریس می‌شود، همان درس‌های خارج فقه‌های بزرگ حوزه است. متعارف چنین است که این درس‌ها، پرجمعیت است. چنین درس‌هایی نمی‌تواند برای همهٔ افراد به حد کافی مفید باشد. یک محقق باید در جو تدریسی محدودی پرورش یابد تا بتواند با استاد و مربی علمی خود، تعامل علمی داشته باشد و در گفت‌وگوی مستقیم با مربیان علمی خود تکامل پیدا کند. چنین درس‌هایی که در سطح‌های وسیعی برگزار می‌شود، نمی‌تواند به پرورش نیروهای علمی یاری برساند. در نظام‌های دانشگاهی این چنین است که در سطح‌های فوق تخصصی، حداکثر ۱۰ یا ۱۲ دانشجو می‌پذیرند. مسئلهٔ دیگری که امروز در حوزه جاری است و جای خود را باز کرده است، رساله‌های تخصصی است که طلاب در رشته‌های مختلف می‌نویسند که بسیار خوب است؛ به‌خصوص در رشته‌های فقه، اصول، قرآن، کلام و فلسفه، رساله‌های خوبی نوشته می‌شود که الحمدلله در حال پیشرفت است. [اما] باید همیشه در فکر طرح‌ها و برنامه‌هایی بود که میان حوزه‌های علمیه و جهان، تعامل برقرار کند... با امکانات فراوانی که امروز در دنیا برای تبلیغ فراهم شده است، اگر بخواهیم با امکانات محدودی که ۵۰ سال پیش یا حتی ۳۰ سال پیش در اختیار ما بود، پیشرفت کنیم، نمی‌توانیم با چالش‌هایی که امروز پیش روی ما است، مقابله کنیم. ما درگیر چالش‌های وسیع و نیرومندی هستیم. اگر بخواهیم با امکانات محدود فعلی کار کنیم، در درازمدت نمی‌توانیم مقاومت کنیم. برای اینکه درجه مقاومت خود را بالا ببریم، ناچار باید هم در تبلیغ و هم در تدریس و آموزش، از امکانات پیشرفتهٔ زمان خود استفاده کنیم... به اعتقاد من حوزه در تلاش است که طلاب را در جریان افکار و فرهنگ‌های (جاهلی) دنیا قرار دهد، و آنان را برای استفاده از امکانات عظیم روز برای تبلیغات آماده کند؛ ولی این بدان معنا نیست که ما به سر حد کمال رسیدیم و می‌توانیم به همین مقدار اکتفا کنیم. طلاب علوم دینی باید با مشکلات، افکار، مسائل انتقالی، فکری و سیاسی دنیا آشنا و صاحب نظر باشند.»

«در حوزه‌های ما نقاط ضعف فراوان است و آسیب‌پذیری حوزه‌های علمیه از همین نقاط ضعف است و تشخیص این نقاط ضعف برای پیشرفت حوزه‌های علمیه ضروری است. حوزه‌های علمیه در بخش مهمی از جهان اسلام، یعنی بخش اهل تسنن، بیشتر به رژیم‌ها و نظام‌های حاکم تکیه می‌کنند و با نظام‌های حکومتی ارتباط اقتصادی دارند؛ مانند الازهر در مصر و الغرویین در مغرب و زیتونه و دارلندوه در هندوستان و حوزه‌هایی که در کشورهای آفریقایی مانند تونس و مراکش و کشورهای آسیایی مثل سوریه و ترکیه و آسیای مرکزی وجود دارد. ارتباط اقتصادی، ارتباط سیاسی را نیز در پی خواهد داشت. در عراق هم چنین بود. علمای نجف از ابتدا این مسئله را نمی‌پذیرفتند. حتی در زمان مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، نخست وزیر شیعی عراق (صالح جبر) به ایشان پیشنهاد کرد که حوزه نجف هم از امکانات اوقاف استفاده کند. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی نپذیرفت. حوزه‌های علمی شیعه بر مردم تکیه دارند، اما اتکا ممکن است مشکل دیگری بیافریند و آن این است که تحت تأثیر افکار عمومی مردم قرار بگیریم. حوزه علمیه همان طور که در مقابل نظام‌های سیاسی استقلال سیاسی دارد، در مقابل مردم هم باید استقلال فرهنگی داشته باشد و علما باید بتوانند سخن خود را مستقیماً به مردم بگویند و نگذارند که افکار عمومی مردم خواسته یا ناخواسته بر آنها حکومت کند.»

«در مسائل فرهنگی و سیاسی باید با دنیا در ارتباط باشیم. امروزه ما مشغول یک نبرد فرهنگی، سیاسی و نظامی وسیع هستیم، آنچه خوب محسوس می‌شود، درگیری‌های نظامی آن است. خطر درگیری‌های فرهنگی و سیاسی کمتر از خطر درگیری‌های نظامی نیست و حوزه‌های علمیه نقش بسیار مهمی در این نبردها دارند؛ یعنی حوزه در خط اول و در خط مقدم جبهه قرار دارد و خواه ناخواه با مسائل فرهنگی و با مسائل سیاسی درگیر است. پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران، حوزه‌های علمیه شیعه بیش از پیش درگیر چنین مسائلی شده‌اند. چون حوزه‌های علمیه پیش از انقلاب مانند امروز مورد توجه دنیا نبودند. پس از انقلاب، دنیا به حوزه‌های علمی شیعه توجه بیشتری پیدا کرد و حوزه‌های

علمیه ما برای دنیا جاذبه بیشتری پیدا کردند و چنانکه می‌بینید ما امروز از ۷۰ یا ۸۰ کشور دنیا طلبه در قم داریم. در مقابل همان اندازه که انقلاب برای حوزه علمیه جاذبه جهانی آفرید و قدرت و امکانات تبلیغی را در سطح دنیا برای حوزه فراهم کرد، به همان اندازه یا بیشتر، دشمنان اسلام برای مبارزه با اسلام و تشیع و مراکز علمیه شیعه بسیج شده‌اند.^۱

در گفت‌وگویی دیگر تأکید می‌کنند:

«دوره ما با دوره پیش از ما تفاوت کلی دارد. به علمای دین خیلی نیاز داریم و طلاب علوم دینی باید خود را سریع به مرحله ثمربخشی و فایده‌بخشی و خدمت برسانند. از این رو مرحله تحصیل را باید سریع بگذرانند و با آن طول و تفصیلی که علمای قبل تحصیل می‌کردند، نمی‌توان امروز کار کرد. جامعه ما خیلی نیاز دارد. نیروهای حوزه باید خیلی سریع برای خدمت به جامعه بسیج شوند. بعضی می‌گویند اگر کسی شیوه علمای سلف را در تحصیل پیش نگیرد، دچار ضعف بنیه علمی می‌شود و نمی‌تواند در خدمت جامعه باشد. این مطالب در یک صورت صحیح است و در صورت دیگر صحیح نیست. اگر مقصود خوب و عمیق درس خواندن و خوب تحصیل کردن باشد، درست است. اگر مقصود تفصیل دادن درس باشد، صحیح نیست. برای مثال نحو را عرض می‌کنم. چون در مقدمات بهتر می‌توانم شاهد بیاورم. سابقاً ما شاهد بودیم که علوم دینی مقدمات را با تفصیل فراوانی می‌گذرانند؛ وقت زیادی را به نحو، صرف، منطق، معانی و بیان اختصاص می‌دادند و برای نحو چندین کتاب می‌خواندند. ولی امروز اگر یک محصل بخواهد این چنین پیشرفت کند، باید مقدار زیادی از عمر خود را صرف علوم مقدمات بکند که معلوم نیست تا چه اندازه برای او مفید است؛ به این معنا صحیح نیست. آن طول و تفصیل دادن مقتضای آن زمان بود. چون فرصت بیشتری بود. اما امروز فرصت کمتری برای یک محصل علوم دینی در تحصیل وجود دارد و نیاز است که هر چه زودتر از مرحله تحصیل به مرحله خدمت منتقل شود و انجام وظیفه کند. مطلب

۱. بگاه حوزه (ویژه حوزه‌های دینی)، اسفند ۱۳۸۱، شماره ۵.

دوم این است که به هر صورت ممکن پس از علوم پایه، رشته‌ها باید از یک دیگر تفکیک شود؛ زیرا قطعاً همهٔ محصلین علوم دینی به مرحله فقاقت و اجتهاد نمی‌رسند و این جامعه توقعات زیادی از روحانیت دارد و نیاز جامعه چند جانبه و متعدد است و طلاب علوم دینی که برای آیندهٔ جامعه اسلامی ما درس می‌خوانند، باید در رشته‌های متعدد از هم‌دیگر جدا و تفکیک شوند.»

«در حوزهٔ علمیه قم تا اندازه‌ای رشته‌ها از هم تفکیک شده‌اند. رشتهٔ علوم قرآنی، رشتهٔ تبلیغ، رشتهٔ کلام، رشتهٔ فلسفه و... وجود دارد؛ ولی هنوز به حد مطلوب نرسیده‌اند. یک محصل علوم دینی و یک طلبه، به اصطلاح ما وقتی به مرحلهٔ کارشناسی می‌آید، باید تخصصی کار کند. پیش از مرحلهٔ کارشناسی که همان علوم پایه باشد، مراحل عمومی را همهٔ طلاب باید بگذرانند که همان مرحلهٔ سطح است. منتهی مرحلهٔ سطح باید مقداری محدود و مرتب شود، ولی وقتی یک محصل علوم دینی به مرحلهٔ کارشناسی می‌رسد، حوزه باید در آن مرحله، طلاب و فضلا را به مقتضای نیازهای جامعه امروز از هم تفکیک کند. مانند تبلیغ، تدریس، علوم قرآن و تفسیر، فلسفه، کلام، عقاید و از همه بیشتر، روحانیونی که در شهرها و مراکز و روستاها عهده دار محراب و منبر هستند که خود، کار بسیار مشکل و سختی است و به تخصص و آمادگی ویژه‌ای نیاز دارد. علمایی که در جامعه بیشتر با مردم در ارتباط هستند، به آمادگی‌های کاربردی ویژه‌ای نیاز دارند تا بتوانند وظیفهٔ دینی خود را به نحو مناسبی انجام دهند. اینها باید دوره‌های تخصصی و کارشناسی را در سطح‌های مختلف، متناسب با محیط و مرکز مسئولیت خود پشت سر بگذارند؛ آمادگی‌هایی که یک روحانی و امام جماعت روستا لازم دارد، با آمادگی‌هایی که یک روحانی و امام جماعت در مرکز شهر لازم دارد، متفاوت است. مسئولیت روحانی و عالم مسئولیت دشوار و پرمشقتی است؛ هرچند ظاهر آن ادارهٔ محراب و منبر است، ولی مسئولیت‌های سنگینی دارد که نظیر آن کمتر در میان مقام‌ها و موقعیت‌ها دیده می‌شود. یک روحانی که در مرکز یا شهر یا محله یا روستا، ادارهٔ محراب و منبر را به عهده می‌گیرد، باید دوست و

رفیق مردم آن محل باشد. مسائل شرعی را به آنها تعلیم بدهد. تفسیر و حدیث و قرآن را برای آنها بگوید. در مسجد برای بچه‌ها کلاس‌های تابستانی بگذارد. در مجالس سوگ و شادی آنان شرکت کند. به فریاد بیچارگان و فقرا و درماندگان برسد. برای آنها صندوق قرض الحسنه باز کند. مجالس عزاداری آنها را اداره کند. در اختلافات و نزاع‌های آنها مداخله کند. در اختلاف خانوادگی میان زن و شوهر و فرزندان و والدین مداخله و اصلاح کند. به سؤالات و احتیاجات و مراجعات آنها، از تعبیر خواب گرفته تا استخاره و مسایل شرعی تا مشکلات اعتقادی و شبهات آنان پاسخ دهد. تدریس و منبر و اقامه جماعت و اصلاح ذات بین و ازدواج و طلاق و نماز میت و مجالس عزاداری و... همه را به عهده بگیرد و باید از عهده همه اینها به خوبی برآید و جواب همه اینها را بدهد و در قیام به همه این وظایف صورت گیرد و شریک غم و شادی مردم باشد و روز و شب و نیمه شب، همیشه در خانه‌اش به روی مردم باز باشد. از کسانی که پول دارند، بگیرد و به آنها که ندارند، بدهد. هر وقت که پولدار شد، به در خانه فقرا برود و هر وقت که بی پول شد، به در خانه اغنیا، در بین مسئولیت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی هیچ موقعیتی، چنین پرمسئولیت، حساس، ظریف، خطیر، دشوار و در عین حال بدون نام و عنوان نیست. چون یک روحانی که در یک محل به سر می برد، واقعاً شبیه یک سرباز گمنام است که سنگین‌ترین و ظریف‌ترین مسئولیت‌ها را به عهده دارد. بنده دو نفر را دیده‌ام که توانسته‌اند، به خوبی از عهده ترسیم و شرح این مسئولیت سنگین برآمده‌اند: یکی مرحوم شیخ حسینعلی راشد (خطیب و دانشمند فقیه ایرانی) و دیگری ویکتور هوگو، نویسنده معروف فرانسوی در کتاب بینوایان. انصافاً هر دو تصویر رسا و گویایی از این مقام ارایه داده‌اند که تماشایی است و برای طلاب محترم قابل خواندن و تأمل است. مرحوم شهید صدر می‌گفت تصویری که هوگو از اسقف در بینوایان نشان می‌دهد، فقط وحی کم دارد که بتوان این تصویر را بر یک نبی منطبق کنیم. دریغا که ذخیره‌های عظیم تجربیات سیاسی و اجتماعی و مردم‌داری بزرگان ما با مرگ آنان به کام خاک رفت؛ بزرگانی مانند مرحوم آیت‌الله آخوند

ملاعلی معصومی در همدان، آیت‌الله اشرفی شاهرودی در شاهرود، آیت‌الله شیخ علی محمد بروجرودی در بروجرود، آیت‌الله محلاتی و آیت‌الله دستغیب در شیراز، آیت‌الله کوهستانی در مازندران، آیت‌الله کمالوند در خرم‌آباد، آیت‌الله قائمی در آبادان و آیت‌الله سید محمدمهدی خاقانی در خرمشهر، آیت‌الله خادمی و آیت‌الله شمس‌آبادی و آیت‌الله طیب در اصفهان، آیت‌الله یشربی در کاشان و آیت‌الله رامهرمزی در اهواز.^۱

آیت‌الله آصفی، همچون استاد خود، طرفدار اصلاح زبان و ساختار کتاب‌های فقهی است:

«ما ثروتی داریم که متأسفانه به دو دلیل از نظرها پنهان مانده است: اول، زبان فقهی است که به آسانی برای دیگران قابل فهم نیست. یادمان است که یکی از فقهای معاصر ما از اهل تسنن، می‌خواست بحث مستقلات عقلی و غیر مستقلات عقلی را که یکی از امتیازات فقه شیعه است، موضوع دکتراش قرار دهد. یکی از مشکلات بزرگی که با آن مواجه شد، زبان فقهی بسیار دشوار فقه ما بود. البته مشکلات زبان فقهی و مشکل هر زبان فنی دیگری، تا حدی طبیعی است؛ ولی بالاخره ما برای اینکه فقه خود را به مکاتب فقهی دنیا معرفی کنیم باید سعی کنیم زبان فقهی مان را آسان کنیم. مشکل دوم، تحقیق و چاپ کتاب‌های فقهی ما است. کتاب‌های عظیم فقهی ما مثل حدائق، جواهر، ریاض، مسالک و مدارک تا مدت‌ها به صورت مصحح و محقق چاپ نشده بود. الحمدالله الان این نقیصه تا اندازه زیادی رفع شده است.»^۲

آیت‌الله آصفی و مسئله تقریب

دین‌شناسی جامع و تقوای اجتماعی، او را یکی از مؤثرترین مردان تقریب مذاهب کرده است. تقریب مذاهب، از مهم‌ترین برنامه‌های او در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است. تقریب برای او از چنان اهمیتی برخوردار است که در

۱. همان، شماره ۴.

۲. فصلنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، شماره ۳۲، ۱۱ / ۱۱ / ۱۳۸۸.

سال‌های اخیر، بخش مهمی از وقت و فعالیت‌های ذهنی‌اش را به تسخیر خود درآورده و همواره دیگران را نیز به اعتدال و تقریب فراخوانده است:

امروز شبکه‌های ماهواره‌ای که می‌توانند در جهان اسلام و جهان عرب بیشترین تماشاگر را جذب کنند و نیز روزنامه‌های کثیرالانتشار، بخشی از ابزارهای سهیم در شعله‌ور ساختن آتش فتنه مذهبی به شمار می‌روند. در این فتنه، متأسفانه علما و مبلغانی که آنان را دارای مواضع معتدل می‌شناختیم، از خط اعتدال عدول کردند و به خط افراط‌گرایی فرقه‌ای افتادند. اگر وارد شبکه اینترنت یا یکی از اتاق‌های چت مذهبی - فرقه‌ای شوید، متوجه می‌شوید با وحشتناک‌ترین فتنه میان مسلمانان در طول تاریخ اسلام رو به رو هستیم و تمام تلاش‌هایی که علمای شیعه و سنی طی یک قرن گذشته در جهت تقریب مسلمانان به یک‌دیگر انجام داده‌اند، در معرض تهدید جدی قرار دارد. اگر خداوند متعال ما را از شر این فتنه‌ها در امان ندارد و مردانی از مسلمانان به درهم شکستن آنها برنخیزند، بدبختی بزرگی گریبان ما را خواهد گرفت... اولین زیان این فتنه‌انگیزی‌ها، ناکام ساختن کوشش‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌های تقریب مذاهب اسلامی است که علما و رهبران دینی از جمله سید عبدالحسین شرف‌الدین، شیخ سلیم البشری، شیخ محمود شلتوت (شیوخ الازهر شریف) آیت‌الله العظمی بروجردی، شیخ حسن البنا، امام کاشف الغطاء و امام خمینی علیه السلام در این قرن و قرن گذشته مبذول داشته‌اند. اینان برای سر دادن شعار "تقریب" و فراخوان به آن، بهای سنگینی پرداختند. شیعیان، از سخنان و فتوای شیخ محمود شلتوت (شیخ الازهر) استقبال کردند، ولی او هزینه‌های زیادی برای فتوای شجاعانه خود در محافل سنی پرداخت... برنامه بزرگ سیاسی اسلام که امروز در خاورمیانه، شمال و غرب آفریقا، افغانستان و پاکستان جریان دارد، در حال گسترش فزاینده است تا مناطق وسیعی در آسیای میانه و جنوب شرقی آسیا را نیز در بر گیرد. فتنه مذهبی که امروزه در جهان اسلام شعله‌ور شده، برای شکست کامل این برنامه بزرگ سیاسی،

تهدید است. تباهی و ناکامی برنامه‌ سیاسی اسلام به معنای استمرار عقب‌ماندگی و وابستگی به غرب است.^۱

همچنین می‌افزاید:

«فتنه‌انگیزی‌ها سابقه‌ای طولانی دارند و آنهایی که با این سابقه آشنا هستند و آن را دنبال کرده‌اند، خطرات بزرگ ناشی از آن را به خوبی می‌شناسند. این فتنه‌ها سریع‌الاشغال‌اند، ولی با کوشش‌های فراوان و با گذشت مدت‌های مدیدی، زخم آنها التیام می‌یابد. آنها حتی طبقه آگاه و معتدل را در بر می‌گیرند و اعتدال، توازن و دیدگاه منطقی را از سردمداران و مدعیان اعتدال هم سلب می‌کنند. مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرماید: "اگر فتنه فرا رسد، دیگر حق را از باطل نمی‌توان شناخت و هنگامی که پشت کند و برود، تازه سرشتش آشکار می‌شود و این و آن را آزموده و هوشیار خواهد ساخت." ... امروزه اسلام با دو رویارویی دشوار در داخل و خارج روبه‌رو است. برنامه سیاسی اسلام در این رویارویی‌ها پایان بخشیدن به نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دشمنان خارجی و اسلامی کردن رژیم‌های حاکم، بنا بر اراده امت است. و دقیقاً به همین دلیل از سوی طرف مقابل احتمال واکنش‌های حادث‌تری می‌رود. بله، امروز اسلام گسترده‌ترین جنبش مخالفت با نفوذ استکبار در جهان را در تاریخ رهبری می‌کند. برنامه بزرگ سیاسی اسلام که امروز در خاورمیانه، شمال و غرب آفریقا، افغانستان و پاکستان جریان دارد، در حال گسترش فزاینده است تا مناطق وسیعی در آسیای میانه و جنوب شرقی آسیا را نیز در بر گیرد. فتنه مذهبی که امروزه در جهان اسلام شعله‌ور شده، برای شکست کامل این برنامه بزرگ سیاسی، تهدید است. تباهی و ناکامی برنامه سیاسی اسلام به معنای ابقای نفوذ استکبار غرب، حمایت از تجاوزها، اشغال‌گری‌های اسرائیل، امکان دادن به رژیم‌های مزدور آنها برای تداوم عملیات چپاول منابع و ثروت‌های مسلمانان، بقای عقب‌ماندگی و وابستگی به غرب و

۱. مصاحبه با خبرگزاری شفقنا، سه شنبه، ۱۶ مهر ۱۳۹۲.

تداوم وجود شرق اسلامی به عنوان منبع مواد خام مورد نیاز صنایع غرب و بازار گسترده مصرفی تولیدات آن است... در هر بخش از جهان اسلام که قدم بگذارید، شاهد آگاهی، احساس مسئولیت، ایمان به ضرورت بازگشت اسلام به زندگی، خیزش علیه ستمکاران مستکبر، جنبشی سیاسی و انقلابی اسلامی، آگاهی جمعی نسبت به نقش ویرانگرانه غرب در سیاست، اقتصاد و فرهنگ و نهایتاً شاهد آگاهی نسبت به ضرورت بازگشت به خویش در پی بی‌خبری‌های طولانی مسلمانان از تاریخ، فرهنگ و میراث خویش و انحراف از آن خواهید بود. اگر این فتنه‌انگیزی‌ها ما را در بر گیرد و آتشی که این فتنه را شعله‌ور می‌سازد، گسترش یابد، از این برنامه چیزی که بتواند خیزش مسلمانان را سامان بخشد، باقی نخواهد ماند. فتنه‌انگیزی‌های مذهبی، امروزه آتش‌های مذهبی گسترده‌ای را به خیمه همکاری و همدلی مسلمانان با یک‌دیگر می‌اندازد و آن را به تباهی می‌کشاند و چیزی از آن باقی نخواهد گذاشت. این فتنه، تنها شیعه و سنی را از هم جدا نمی‌کند. سنی‌ها را نیز از یک‌دیگر و مسلمانان را به گروه‌های متعدد و پراکنده تبدیل می‌سازد؛ چیزی که مطلوب رژیم‌های استکباری است.»

«زیان دیگر، به تعطیلی کشاندن همکاری‌های فرهنگی میان مسلمانان است. عرصه فرهنگی ما امروزه شاهد همکاری گسترده‌ای میان مسلمانان است و به دلیل این همکاری‌ها است که شاهد طراوت و نشاط محسوس و غنای فزاینده فرهنگ معاصر اسلامی هستیم. هنگامی که اندیشه‌ها و خرده‌ها گرد هم آید، دل‌ها به یک‌دیگر نزدیک می‌شود و عکس این امر نیز درست است. این همکاری فرهنگی نقش بزرگی در همدلی مسلمانان ایفا کرد؛ ولی فتنه‌انگیزی‌های مذهبی کنونی یک بار دیگر همان دیوارهای روانی و فرهنگی را در میان مسلمانان بازسازی و بخش‌های مختلف فرهنگ اسلامی را از یک‌دیگر جدا می‌کند و حتی از این فراتر می‌رود و به خسارت بس بزرگ‌تری می‌رسد که همانا جایگزینی گسست فرهنگی به

جای همکاری فرهنگی است؛ چیزی که در شبه قاره هند در زمان استعمار انگلیس اتفاق افتاد.»^۱

اهتمام آیت‌الله آصفی به مسئله تقریب به قدری است که، «ولایت» را نیز که به عقیده ایشان مهم‌ترین اصل دین پس از توحید است، مؤید تقریب می‌داند:

در جهت تقریب بین شیعه و سنی، در حاشیه این مطلب (اثبات ولایت امام علی علیه السلام) عرض کنم باید در کنار کارهای علمی که برای غدیر می‌شود و به جای خود ضروری و مفید است، کار سیاسی هم‌زمانی را با هدف نزدیک کردن دو فرقه بزرگ اسلامی شیعه و سنی شروع کرد. این تقارب، هم‌نشینی، هم‌فکری، همکاری، تعاون و همراهی در مسایل سیاسی، علمی، فقهی و اجتماعی یقیناً از حساسیت تاریخی سیاسی و فوق‌العاده این حدیث و امثال آن می‌گاهد و زمینه را برای تفاهم علمی در این مسایل آماده می‌کند. در این صورت می‌توانیم این حدیث را به دور از حساسیت‌های تاریخی که آن را فرا گرفته، مطرح و بحث کنیم. البته این کار بعد از تأسیس جمهوری اسلامی ایران و عنایت مخصوص شخص امام خمینی علیه السلام و بعداً با عنایت ویژه مقام معظم رهبری، تحقق پیدا کرده است، که باید سعی شود این جریان در جهان اسلام فعال‌تر شود. به نظر این‌جانب آنهایی که در تبلیغ تشیع و ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام داعیه بیشتری دارند و احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند باید در زمینه مسایل تقریب بین مذاهب اسلامی فعال‌تر باشند، چون این تقریب راه را برای تفاهم علمی در امثال این مسائل (ولایت) بیش از پیش باز و هموار می‌کند.^۲

نقد تکفیری‌ها از موضع اعتدال

آیت‌الله آصفی، بزرگ‌ترین مشکل جهان اسلام را در سال‌های اخیر، مسئله تکفیری‌ها می‌داند:

۱. همان.

۲. فصلنامه علوم حدیث، شماره ۷، ۴، ۱۰ / ۱۳۸۶.

امروز این مسئله تبدیل به بزرگ ترین مشکل جهان اسلام شده است. تکفیریان در عراق، پاکستان و عربستان سعودی از شبکه بسیار گسترده ای برخوردارند و در غرب آفریقا از جمله الجزایر، مراکش و در جنوب شرق آسیا همچون اندونزی، مالزی و حتی در برخی کشورهای اروپایی حضور دارند. از آنجا که این جنبش، جنبشی سیاسی، فرهنگی، سازمان یافته و زیرزمینی است، کاملاً مخفیانه و از هرگونه گفت و گو و نقدی به دور است. این جنبش زبان‌های بزرگ و فراوانی به جهان اسلام وارد آورده است.^۱ «استکبار جهانی به طور آشکار و نهان این جنبش را در برانگیختن فتنه‌های مذهبی حمایت می‌کند. ما دلایل فراوانی در تایید این پشتیبانی به ویژه در عراق داریم. آمریکا، اسرائیل و دیگر کشورهای استکباری برای تحقق اهداف خود فرصتی بهتر از این نخواهند یافت. این حرکت‌ها مسلمانان را مشغول می‌کند و آنها را از طرح‌های سیاسی، انقلابی، فرهنگی و جهادی بزرگ، باز می‌دارد و آتش فتنه را شعله‌ور و آنان را تضعیف می‌کند و ائتلاف‌های آنها را عمق می‌بخشد؛ چنانکه اتحاد آنان را برای مبارزه با نفوذ مستکبران در جهان اسلام و تشکیل امت واحد و تحقق اهداف سترگی که این امت به دنبال آنها است، ناممکن می‌سازد. برای اثبات این حقایق کافی است به کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی پس از انقلاب اسلامی در ایران و ورود شیعیان به معادله سیاسی در عراق نگاه کنیم. تنها قرائت صفحاتی از این کتاب‌ها برای پی بردن به رد پای کشورهای استکباری و مؤسسات جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و اسرائیل در برانگیختن این فتنه‌ها کفایت می‌کند.»

«گزارش‌هایی که مؤسسه‌های آماری غربی تهیه می‌کنند نشان از آن دارد که غرب رو به سوی اسلام آورده است و سال‌های آینده شاهد انتشار کمی و کیفی گسترده‌ای از اسلام در غرب خواهیم بود. این حقیقتی است که کمترین تردیدی در آن وجود ندارد. اما متأسفانه موج خشونت، بمب‌گذاری و کشتار بر این روند تأثیر منفی گذاشت.»

۱. مصاحبه با خبرگزاری شفقنا، سه شنبه، ۱۶ مهر ۱۳۹۲.

آیت‌الله آصفی، درمان بسیاری از دردهای امت اسلامی را در تشریح مساعی و وحدت مسلمین با یک‌دیگر می‌داند؛ چنانکه می‌گوید: «تشریح مساعی فرهنگی از جمله پیامدهای تقریب مذاهب اسلامی است و در عین حال از عوامل آن نیز به شمار می‌رود. قبلاً علمای مسلمان و طلاب علوم دینی در مدارس فقهی مذاهب و گرایش‌های گوناگون حضور به هم می‌رسانند و اجازه روایت حدیث از یک‌دیگر می‌گرفتند طلاب علوم دینی عراق که بیشترشان شیعه بودند، به حجاز (عربستان سعودی)، مصر و شام - که غالباً از اهل سنت هستند - می‌رفتند و طلابی از حجاز، مصر، شام و کشورهای مغرب عربی برای تحصیل علوم دینی عازم عراق و حوزه حله - به عنوان یکی از حوزه‌های اصیل شیعه - می‌شدند. علمای مسلمان نیز سفرهایی به مناطق مختلف اسلامی می‌کردند و در این سفرها طلاب دینی از ایشان می‌خواستند تا در فقه، اصول فقه و اصول عقاید به تدریس بپردازند. امروزه نیز حوزه علمی قم - به عنوان یکی از حوزه‌های ریشه‌دار وابسته به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام - میزبان طلبه‌های علوم دینی از بیش از ۱۰۰ کشور است. با وجود آنکه طلابی که به این دانشگاه می‌آیند غالباً از میان اهل سنت هستند، برای تحصیل در حوزه‌های شیعی با هیچ مشکلی روبه‌رو نمی‌شوند؛ همچنان که این حوزه نیز در پذیرش طلابی از دیگر مذاهب و گرایش‌های فقهی مشکلی ندارد و فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت در کنار فقه امامی در آن تدریس می‌شود. این تشریح مساعی فرهنگی و علمی تأثیر بسزایی در پیشرفت مراکز علمی اسلامی دارد. وقتی کوشش‌های مختلف فرهنگی و علمی در یک چارچوب معین و غیرمتشنج با یک‌دیگر در هم می‌آمیزند، باعث غنی‌تر شدن و تکامل هر یک از آنها می‌شود. این تشریح مساعی‌ها به نزدیکی و آشنایی مذاهب مختلف با یک‌دیگر می‌انجامد و آتش فتنه‌انگیزی‌های مذهبی را خاموش می‌کند.»^۱

از مهم‌ترین پایه‌های اندیشه و رویکرد اصلاحی آیت‌الله آصفی در مواجهه با جریان‌های تندرو، نقد تقسیم انسان‌ها به حق و باطل در صحنهٔ اجتماع است. وی بدون آنکه در دام پلورالیسم بیفتد، نظرها را به حق مطلق و باطل محض تقسیم نمی‌کند. می‌گوید:

«حق، تعددپذیر نیست و اگر نظری بر حق باشد، ضرورتاً نظر دیگر نمی‌تواند بر حق باشد؛ ولی البته این به معنای عصمت یک نظر یا یک دیدگاه نیست؛ چون بسیار شده است که انسان متوجه خطای دیدگاه‌های خود و صواب دیدگاه دیگری می‌شود. لذا شایسته است که انسان همواره پذیرای نظرات دیگران باشد، به آنها گوش بدهد و با صاحب آنها به گفت‌وگو بنشیند.»

آری؛ او گفت‌وگوی مسلمانان را با یک‌دیگر راه‌حل بسیاری از معضلات جهان اسلام می‌داند:

«جدایی‌های مذهبی و انزواجویی‌ها، ضرورتاً به عقب‌رفت‌های فرهنگی و علمی می‌انجامد؛ برعکس، همکاری‌ها و گفت‌وگوهای سازنده که به پیشرفت و تکامل علمی و فرهنگی در حوزه‌ها و دانشگاه‌های علمی ما منجر می‌شود... همان گشودگی و پذیرش است، و پیروی از بهترین‌ها همان منطقی بودن و در میان دیدگاه‌ها به دنبال حق رفتن است. قرآن، گشودگی و منطقی بودن را در گزینش، معیار دقیق هدایت قلمداد می‌کند (الذین هداهم الله). بر عکس انزوا و بسته بودن در برابر دیدگاه‌های دیگر، آدمی را به گمراهی‌ها و بیراهه‌های زیادی می‌کشاند و جمود، تکفیر و تروریسم را به دنبال می‌آورد؛ تکفیر در برخورد با نظر دیگران و تروریسم با دگراندیشان. دین خدا در برخورد با دیدگاه‌های دیگر و صاحبان آنها سعهٔ صدر بیشتری نسبت به صاحبان مکتب تکفیر و تروریسم دارد و نظرات دیگر و صاحبان آنها را مادام که شهادتین را بر زبان دارند، در دایرهٔ اسلام قرار می‌دهد. اخراج این دیدگاه‌ها از دایرهٔ اسلام و قرار دادن آنها در دایرهٔ

کفر جایز نیست. مباح دانستن خون صاحب آن رأی نیز روا نیست؛ زیرا شهادت لا اله الا الله، به جان و مال امان می‌دهد.^۱

این سخنان، تجربه فقهی است که هم تاریخ را می‌داند و هم روزگار خود را می‌شناسد. بدین رو است که تبارنامه اندیشه‌ها را به دیگران نیز نشان می‌دهد:

«این قطعیت در دیدگاه‌ها، انزوا و بسته بودن نسبت به دیدگاه‌های دیگر و پیامدهای آن (تکفیر و تروریسم)، نخستین بار در جنگ صفین مطرح شد. امیرالمؤمنین علیه السلام با کسانی که این گونه می‌اندیشیدند، یعنی خوارج، جنگید و بر ایشان پیروز شد و ائتلاف سیاسی و نظامی‌شان را در هم شکست. هنگامی که برخی از یاران، مژده هلاکت خوارج را به آن حضرت دادند، امام علیه السلام فرمود: به خدا چنین نیست! آنان هم اکنون بسان نطفه‌هایی در کمر مردان و رحم زنان‌اند.» یعنی خوارج، همانان نبودند که در برابر علی علیه السلام ایستادند و سپس شکست خوردند؛ بلکه همچنان حضور و وجود دارند و نقش آفرینی می‌کنند. «همان گونه که حق پایان نمی‌پذیرد، باطل نیز تمام‌شدنی نیست. حالت تکفیری و افراط‌گرایی دینی که امروزه در میان برخی مسلمانان وجود دارد، ظهور جدیدی از همان حالتی است که امام علیه السلام در نهروان با آن جنگید؛ یعنی نفی مطلق دیدگاه دیگران، منزوی و بسته بودن در برابر نظر دیگران، تکفیر اهل قبله و مباح دانستن خون آنان.»^۲

این نگاه به مسائل و موضوعات دینی، تأثیر عمیقی بر شیوه اجتهادی ایشان گذاشته است؛ به طوری که خود در مقدمه یکی از آثارش توضیح می‌دهد که روش من مطالعه تطبیقی است و چنانکه می‌دانیم در مطالعات تطبیقی، گریزی از آشنایی با دیگر مکاتب و اندیشه‌ها نیست. در مقدمه کتاب *الایة الامر دراسة فقهية مقارنة*، می‌نویسد:

۱. همان.

۲. همان.

«این کتاب مجموعه‌ای از درس‌هایی است که بیش از پانزده سال پیش در سطح مطالعات عالی فقه (درس خارج) برای جمعی از فضلا و طلاب حوزه علمیه قم تدریس کردم... همان طور که شیوه من در این قبیل پژوهش‌های فقهی است، کتاب حاضر بیشتر رنگ مطالعات تطبیقی فقه بر خود دارد...»^۱

استکبارستیزی

در عین حال، آیت‌الله آصفی بسیاری از مشکلات مسلمانان و کشورهای اسلامی را سیاست‌های آمریکا می‌داند و دست غرب را در اکثر معضلات سیاسی - اجتماعی عراق و سوریه و مصر و بحرین و ایران می‌بیند. مثلاً در مصاحبه‌ای درباره ساخت و پخش فیلم موهن به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گوید:

«عامل تولید و پخش فیلم موهن به ساحت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله مستقیماً آمریکا است و این کشور مسئول تمام پیامدهای این اقدام موهن در جهان اسلام و خارج از آن خواهد بود... اینکه دولت‌های غربی مانند آمریکا، هنر را مسئله آزادی می‌دانند و از آزادی بیان، اندیشه و هنر دم می‌زنند، تنها بهانه‌ای برای توجیه اقدامات موهنانه‌شان است؛ زیرا اگر گوشه‌ای از این توهین‌ها، تشکیلات اسرائیل و صهیونیسم جهانی را هدف قرار داده بود، ساکت نمانده و دنیا را از تبلیغات ضد اسلامی پر می‌کردند... ما امیدواریم که بخشی از این غیرتی را که جهان اسلام و جوانان مسلمان اعم از شیعه و سنی نسبت به مقدسات اسلامی دارند، حاکمان جور رژیم‌های عربی مانند قطر و عربستان سعودی داشته باشند که خود را رایگان به آمریکا فروخته‌اند؛ غیرتی که خون جوانان مسلمان را چنان به جوش آورد که با اعتراضات به موقع خود افکار عمومی دنیا را متوجه خود کردند. اگر این غیرت دینی را حاکمان نیز داشتند، ما این قدر در جهان اسلام، مصیبت و گرفتاری‌هایی که ناشی از جهان غرب است، نداشتیم و زورگویی مستکبران را نمی‌پذیرفتیم... امروزه در آمریکا کرامت انسانی و احترام به

۱. این اثر در سال ۱۳۸۵، به همت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و با ترجمه آقای محمد سپهری، با نام «مبانی نظری حکومت اسلامی، بررسی فقهی تطبیقی» چاپ شده است.

انسان‌ها فراموش شده است و داعیه‌داران آزادی می‌خواهند ما نیز مانند آنان شده و کرامت‌های دینی و انسانی خود را فراموش کنیم، بنابراین این مسئله بسیار مهم است و مسلمانان باید به آن توجه کنند.^۱

همچنین در مصاحبه‌ای با خبرنگاری رسا می‌گوید: «پاک‌سازی زمین از شرّ ظالمان و مستکبران یکی از مهم‌ترین اعمال برای مقدمات ظهور است. معنای حقیقی انتظار ایجابی مبارزه با استکبار جهانی و تطهیر زمین از لوث وجود آنان است.»^۲ در گفت‌وگویی دیگر می‌افزاید: «مسلماً پیامدهای تخریبی و آتش‌افروزی‌های گسترده‌ای که در پی هر فتنه مذهبی مطرح می‌شود و سهولت این آتش‌افروزی‌ها در لحظات غفلت و انفعال هرگز از چشم تیزبین استکبار جهانی پنهان نیست. گروهی از این رژیم‌ها از جمله انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، پرتغالی‌ها و ایتالیایی‌ها تجربه و خبرگی فراوانی در عرصه فتنه‌انگیزی‌های مذهبی دارند، هر چند نقش استعماری برخی از این رژیم‌ها به طور کلی یا تا حدودی در شرق پنهان مانده، ولی آنها تجربیات خود را برای رژیم آمریکایی که امروزه شعار انحصار قدرت و حاکمیت را بر زمین سر داده است، به ارث گذارده‌اند.»^۳

۱. گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا)، ۲۵ شهریور ۱۳۹۱.

۲. گفت‌وگو با خبرنگاری رسا، سوم تیر ۱۳۹۲.

۳. مصاحبه با خبرنگاری شفقنا، سه شنبه، ۱۶ مهر ۱۳۹۲.

گفتار سوم:
اهتمام به امور مسلمین

کوشش‌های فرهنگی و اجتماعی

چو غنچه گر چه فروبستگی است کار جهان

تو همچو باد بهاری گره گشا می باش^۱

همه روزها و لحظه‌های عمر آیت‌الله محمد مهدی آصفی، یادآور آن حدیث شریف نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که نشانه مسلمانان را اهتمام به امور مسلمین و غم‌خواری مردم می‌داند:

«قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نوزد، از آنان نیست و هر کس فریاد کمک‌خواهی کسی را بشنود و به یاری‌اش نشتابد، مسلمان نیست.»^۲

آری؛ مردان خدا هم اهل تسبیح و سجاده‌اند و هم خدمت خلق را عبادت می‌دانند. آنان که در غار انزوای خود، سر از سجده بر نمی‌دارند و گره از کار مردم

۱. حافظ.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵.

نمی‌گشایند، همان قدر ناقص الاسلام‌اند که عبادت‌گریزان. نمی‌توان همچون سعدی گفت:

عبادت به جز خدمت خلق نیست

به تسبیح و سجاده و دلق نیست

اما بدون خدمت به خلق خدا نیز بهشت رضوان، پذیرای عابدان نیست. خوی پیامبرانه، آن است که چون به معراج رفتی، بازگردی و در میان مردمان زندگی کنی و درد آنان را درد خود بدانی. این، همان فرق پیامبران با بسیاری از عارفان است: پیامبران، وقتی به معراج می‌رفتند، بازمی‌گشتند تا مردم را نیز با خود به معراج ببرند؛ اما عارفان، اگر به عروجی نیز می‌رسیدند، سر بازگشت به میان مردم نداشتند.^۱ آیت‌الله آصفی، از آن گونه مردان خدا است که پرستش خدا، آنان را از پرستاری خلق غافل نمی‌کند. بدین رو است که در علمی‌ترین و اخلاقی‌ترین مباحث نیز، سیاست و سرنوشت جامعه دینی را از یاد نمی‌برند و مثلاً در کتاب *الدعاء عند أهل البيت*^۲ آنگاه که درباره دعا و عبادت سخن می‌گوید، تأثیر سلوک معنوی نیایش را بر ماهیت سیاسی جامعه نیز نشان می‌دهد.^۳

زندگی آیت‌الله محمد مهدی آصفی، کارنامه‌ای پر بار در عرصه‌های اجتماعی و مبارزاتی دارد. وی هیچ گاه از سرنوشت سیاسی مسلمانان غفلت نورزیده است. برای وی، آنچه مهم است بهبودی اوضاع کشورهای اسلامی و سیر آنها در مسیر دیانت و عقلانیت است. آیت‌الله آصفی، بدون هیچ تعصبی، همه کشورهای اسلامی را وطن خود می‌داند و هر جا به حضور یا فعالیت یا اظهار نظر ایشان نیاز

۱. اقبال لاهوری می‌گوید: «ارج و مقام محمد صلى الله عليه وآله فقط آن نبود که به معراج رفت، بلکه از آن رو بود که از معراج بازگشت. عارف بزرگ دنیای اسلام عبدالقدوس گنگهی می‌گوید: "به خدا سوگند، اگر من به بدان جا رسیده بودم، هرگز بازمی‌گشتم." شاید در همه ادب صوفیه نتوان سخنی این چنین یافت که بدین گونه تفاوت ظریفی را عیان سازد. در مفهوم مبتنی بر روان‌شناسی، این دو نوع خودآگاهی پیامبرانه و عارفانه وجود دارد.» (محمد اقبال لاهوری، *بازسازی اندیشه دینی*، ص ۳۶).

۲. چاپ اول، ۱۴۱۵ق، ۲۸۰ص. ترجمه کتاب به اردو در سال ۱۴۲۸ق.

۳. بخشی از کتاب نامبرده درباره «بعاد توحیدی - سیاسی دعا» است.

باشد، دریغ نمی‌کند. وطن او «مصر و عراق و شام نیست» بلکه هر جایی است که اسلام و مسلمانان به او نیاز داشته باشند. به قول شیخ بهایی رحمته الله علیه:

این وطن، مصر و عراق و شام نیست

این وطن، شهری است کو را نام نیست^۱

و به قول اقبال لاهوری:

ما که از قید وطن بیگانه‌ایم

چون نگه، نور دو چشمیم و یکیم

از حجاز و چین و ایرانیم ما

شب‌نم یک صبح خندانیم ما^۲

فعالیت سیاسی آیت‌الله آصفی از دوران جوانی آغاز شد. وقتی حزب الدعوه در زمان زعامت آیت‌الله حکیم بر حوزه نجف، به حمایت ایشان و رهبری شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر، در عراق تأسیس شد، آیت‌الله آصفی به عضویت شواری مرکزی^۳ حزب درآمد و این همکاری دشوار و خطرناک (به‌ویژه در زمان چیرگی صدام بر عراق) تا سی سال ادامه یافت.^۴ ده سال نیز سخنگوی رسمی حزب بودند. آیت‌الله آصفی در سال‌های نخست فعالیت در حزب الدعوه، همراه آیت‌الله علامه عسکری و علامه سید محمدحسین فضل‌الله و شیخ محمدمهدی شمس‌الدین، «هیئت فکری» حزب را راه‌اندازی کردند و بخش تألیف و انتشار آثار علمی حزب را برعهده گرفتند.

۱. شیخ بهایی، نان و حلوا، بخش نهم، فی تفسیر قول النبی صلی الله علیه و آله: حب الوطن من الايمان.

۲. دیوان اقبال لاهوری، تصحیح احمد سروش، جاویدنامه.

۳. برخی دیگر از اعضای شورای مرکزی حزب الدعوه عراق عبارت بودند از: سید مرتضی عسکری، محمدهادی سبینی، شهید عبدالصاحب دخیل، شهید عارف بصری، سید عبدالهادی فضلی، سید کاظم حائری. (ر.ک: احمد ابوزید عاملی، السیرة والمسیرة فی حقایق و وثائق، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۸۶)

۴. پس از سی سال همکاری و حضور در کادر رهبری حزب، سرانجام به دلایلی که شرح و بیان آنها نیاز به نوشتاری دیگر دارد، از حزب کناره‌گیری کردند.

بر پایهٔ اساس نامهٔ حزب الدعوه، اهداف کلان این تشکل دینی - سیاسی، عبارت بودند از: هدایت تبلیغات دینی، مبارزه با افکار انحرافی و نشر حقایق اسلام. اما سمت‌وسوی سیاسی - اجتماعی حزب، رژیم‌های حاکم بر عراق را به شدت علیه آن حساس کرد؛ چندان که در اردیبهشت سال ۵۸، چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، آیت‌الله سید محمدباقر صدر را به شهادت رساندند؛ تا فعالیت‌های سیاسی علمای نجف را خاموش کنند و رابطهٔ حوزهٔ نجف با ایران قطع شود.

در آغاز فعالیت‌های حزب الدعوه، شهید آیت‌الله صدر علیه السلام که مبارزهٔ مسلحانه را بدون تأیید مراجع وقت نجف، صلاح نمی‌دانست، آیت‌الله آصفی را مأمور گفت‌وگو با برخی مراجع کرد.^۱ اما دستگیری و شهادت آیت‌الله صدر، این بخش از فعالیت‌های حزب الدعوه را به محاق برد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حزب الدعوه، بخش مهمی از فعالیت‌های سیاسی و عملیاتی خود را به ایران منتقل کرد و برخی اعضای اصلی حزب نیز به ایران آمدند و برخی دیگر، گرفتار قساوت صدام شدند.

در ایران، حزب الدعوه به دو گروه اکثریت و اقلیت منشعب شد. چهرهٔ برجسته و مهم گروه اکثریت، آیت‌الله آصفی بود که توانست سیاست‌های حزب را علیه رژیم بعث، در چارچوب سیاست‌های رهبر جمهوری اسلامی ایران و با تأکید بر اصل ولایت فقیه حفظ کند. بدین ترتیب آیت‌الله آصفی، حلقهٔ وصل مبارزات مردم عراق با انقلاب اسلامی ایران بود و تا زمانی که فعالیت حزبی قادر به پیش‌برد اهداف انقلاب اسلامی مردم عراق بود، این سمت را حفظ کرد.

۱. آیت‌الله آصفی دربارهٔ نوع ارتباطش با شهید آیت‌الله صدر می‌گوید: «من بیشتر از افکار ایشان استفاده کردم و توفیق حضور در درس‌های ایشان را نداشتم. افرادی مانند من که از اندیشه‌های ایشان در راه فعالیت‌های تبلیغی استفاده می‌کردند ولی به طور رسمی در درس‌های ایشان حضور نداشتند، بسیارند.» (مجلهٔ یاران، یادمان آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر، ش ۱۸، اردیبهشت ۱۳۸۶).

گفتنی است که آیت‌الله آصفی، اگرچه بیشتر برای آزادسازی مردم عراق از چنگ رژیم بعث^۱ می‌کوشید و حزب الدعوه نیز تغییر در سرنوشت عراق را هدف گرفته بود، از اوضاع ایران نیز غافل نبودند؛ به طوری که در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اندیشه تأسیس حزبی همچون حزب الدعوه را در ایران در سر می‌پروراندند.^۲

گفتنی است که در سال ۱۳۹۸ میلادی در عراقی گروهی از علمای نجف، با عنوان «جامعة العلماء المجاهدين» اعلان موجودیت کردند و خواستار بهبود اوضاع عراق و دیگر کشورهای اسلامی شدند. آیت‌الله آصفی عضو مرکزی این گروه نیز بود؛ اما این گروه، عمر چندانی نکرد و اعضای آن نیز جذب جریان‌های مهم‌تر شدند.

خدمات اجتماعی – فرهنگی

چنانکه گفتیم، آیت‌الله محمدمهدی آصفی، مرد خدا و مردم است. او خدمت به مردم، به‌ویژه شیعیان علی بن ابی‌طالب علیه السلام را جزئی از وظایف دینی و انسان خود دانسته و در این راه به جان کوشیده است. بی‌گراف، گزارش خدمات اجتماعی ایشان در چند دهه گذشته به هیچ روی قابل احصا و شمارش نیست؛ همین قدر می‌دانیم که آنچه در توان داشته است در این راه به کار گرفته است. تأسیس بنیادهای خیریه و سرپرستی هزاران انسان محتاج و صدها خانواده مستمند و نیز کمک مالی به مبارزان عراقی و راه‌اندازی چندین مدرسه و آموزشگاه، چند سطر از کارنامه خدمات ایشان است.

در قلمرو فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی ایشان، مدیریت موقت مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام را نباید از یاد برد که سهم بسیاری در گسترش معارف اهل بیت علیهم السلام و شناسایی آن بزرگواران به جهان اسلام دارد. ایشان در سال ۱۴۲۲ هجری قمری،

۱. حرب بعث، در سال ۱۳۴۶ ش. با کودتای احمد حسن البکر بر عراق حاکم شد و بی‌درنگ سیاست سرکوب و اختناق را در پیش گرفت.

۲. ر.ک: *مجله یاران*، یادمان آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر، ش ۱۸، اردیبهشت ۱۳۸۶، «خاطرات آقای هادی خسروشاهی».

برابر با ۱۳۸۱ خورشیدی، از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به دبیر کلی این مجمع برگزیده شد؛ اما پس از مدتی به نمایندگی از سوی مقام رهبری به عراق رفت و در نجف، رحل اقامت افکند.

افزون بر فعالیت‌های فرهنگی در گسترهٔ اجتماع، ایشان با تأسیس و مدیریت مؤسسات خیریه، هزاران مسلمان را از نابودی یا تنگدستی و فقر شدید نجات داده‌اند؛ از جمله:

۱. مؤسسهٔ خیریهٔ امام باقر علیه السلام: این مؤسسه اکنون نزدیک ۸۰۰۰ خانوادهٔ عراقی، افغانی، سوری و ایرانی و ۵۵۰۰۰ یتیم را در چندین کشور تحت پوشش خود قرار داده است. مؤسسهٔ امام باقر علیه السلام پس از سقوط صدام، در سال ۲۰۰۳ میلادی تأسیس شد و از آن زمان تا کنون، هر ماه کمک‌های نقدی و جنسی خود را به دست خانواده‌های تحت پوشش، می‌رساند.

۲. مجتمع‌های مسکونی: تا کنون بیش از سی صد واحد مسکونی با امکانات مناسب در شهرهای نجف، مزار شریف، قم و مشهد، در اختیار نیازمندان قرار گرفته است.

۳. شهرک مدینه الرضا علیه السلام: این شهرک با امکاناتی همچون مدرسه، درمانگاه، سالن ورزشی و مسجد، برای اسکان ایتم خراسان ساخته شد. اعتماد کامل مقام معظم رهبری و مراجع نجف، به‌ویژه آیت‌الله سیستانی به معظم له، از اسباب توفیق ایشان در خدمت‌رسانی گسترده به مسلمانان است.^۱

۱. علمای لرستان بعد از آیت‌الله العظمی بروجردی، میرزا علی سلیمانی بروجردی، ج ۴، ص ۷۳ - ۷۴.

گفتار چہارم:
آثار علمی

آثار علمی

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت^۱

آیت الله محمدمهدی آصفی تا کنون که ۷۷ سال پربار از عمر خویش را گذرانده‌اند، بیش از دویست اثر مکتوب آفریده‌اند. غنای علمی و قدرت قلم، دو امتیاز مهم در آثار ایشان است. این تعداد و حجم از آثار قلمی، نشانه هوشمندی ایشان در استفاده از همه عرصه‌های نگارشی است و از همین رو نام او را در شمار نخستین نویسندگان حوزوی در مطبوعات می‌بینیم.

کتاب‌ها و مقالات آیت‌الله محمدمهدی آصفی، به زبان‌های فارسی، اردو، ترکی، انگلیسی، فرانسه و کردی نیز ترجمه شده است. درنگی کوتاه در این آثار، آشکار می‌کند که مؤلف آنها بیش از موقعیت علمی و جایگاه حوزوی، در پی گره‌گشایی از معضلات جهان اسلام بوده است. آنچه در پی می‌آید، نخست گزارشی مجمل از برخی آثار مکتوب و خطی ایشان - اعم از کتاب، مقاله، رساله و مقدمه - است:

۱. فرخی یزدی.

یک. آثار چاپی

۱. الدعاء عند أهل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ق، ۲۸۰ص. ترجمه کتاب به اردو در سال ۱۴۲۸ق.
- هدف نویسنده در این اثر، بیان توجه خاص اهل بیت عليهم السلام به نیایش با پروردگار عالم است. برخی از مباحث کتاب عبارت‌اند از: تعریف و استجابات دعا، ادعیه صحیح و ناصحیح، حب الهی در ادعیه مأثور، منابع ادعیه، دعا و مسئله قضا و قدر، زیارت و ابعاد توحیدی - سیاسی آن.
۲. الهوی فی حدیث أهل البيت عليهم السلام، چاپ اول، سال ۱۴۱۴ق، ۲۲۸ص. ترجمه کتاب به اردو در سال ۱۳۸۵ش.
۳. حقیقة الحریه، نجف: ۱۹۶۰م، ۱۷۸ص.
۴. الحب الإلهی فی أدعية أهل البيت عليهم السلام، بیروت: چاپ اول، ۱۱۲ص. در ضمن کتاب «الدعاء عند أهل البيت عليهم السلام» نیز چاپ شده است.
۵. الاجتهاد والتقليد وشؤون الفقیه، قم: چاپ اول، ۱۴۱۰ق، ۱۰۰ص.
۶. المنهج العلمی فی ترتیب الأدلة الاجتهادية، چاپ کنگره وحدت، ۱۴۱۵ق.
۷. المدخل إلى دراسة التشريع الإسلامی، نجف: چاپ اول، ۱۷۴ص.
۸. تطور البحث الأصولی فی الدلیل والحجة، قم: چاپ اول، ۱۴۱۵ق، ۷۵ص. چاپ دوم با عنوان «الدلیل والحجة» در مقدمه کتاب رسائل (فوائد الاصول) شیخ انصاری.
۹. ملكية الأرض فی الفقه الإسلامی، نجف: چاپ اول، ۱۳۹۰ق، ۳۱۰ص. چاپ چهارم با اضافات و با عنوان «ملکية الثروات الطبيعية فی الفقه»^۱.

۱. آیات عظام مرتضی آل یاسین و میرزا هاشم آملی، با استناد به این کتاب، به آیت‌الله آصفی اجازه اجتهاد دادند.

مالکیت زمین و سرمایه‌های طبیعی، از موضوعات مهم و جنجالی در فقه اسلامی است. کتاب حاضر به زبان عربی، به بررسی این موضوع از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه (شیعه، حنبلیه، حنفیه، مالکیه و شافعیه) پرداخته است. روش نویسنده در این اثر، بررسی یک‌یک مسائل مربوط به مالکیت زمین، و سپس طرح دیدگاه‌های علمای اهل سنت در آن مسئله است.

۱۰. السلام فی الإسلام، چاپ اول، ۱۹۹۷م، ۲۹۰ص. در ضمن دوره «فی رحاب القرآن» نیز به چاپ رسیده است.

۱۱. آیه التّطهیر، قم: چاپ اول، ۱۶۰ص، ۹۱ص. ترجمه آن به کردی و اردو در سال ۱۴۱۶ق. همچنین در ضمن دوره «فی رحاب القرآن» به چاپ رسیده است. ترجمه کتاب به فارسی، در سال ۱۴۱۷ق.

۱۲. فلسفه الإمامة، چاپ اول، ۱۹۸۸م، ۱۸۲ص. ترجمه به اردو.

۱۳. دروس من الثوره الإسلامیة، سه رساله جداگانه. چاپ سوم، ۱۴۱۰ق. این مجموعه، بارها در تهران، قم، بیروت و دمشق چاپ و به فارسی نیز ترجمه شده است. همچنین در ضمن مجموعه «الثقافة الاسلامیة» به چاپ رسیده است.

۱۴. نظریة السیاسة والحکم فی الإسلام، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۲ق. (ترجمه کتاب علامه طباطبایی).

اصل کتاب رساله‌ای کوچک به قلم علامه سید محمدحسین طباطبایی است که آیت‌الله آصفی، آن را از فارسی به عربی برگردانده است. در این رساله، مرحوم علامه طباطبایی، مسئله سیاست و ولایت را در اسلام اصیل دانسته و پس از مقایسه سازمان سیاسی اسلام با دیگر نظام‌های موجود در دنیا، برتری‌های آن را شمرده است. به اعتقاد ایشان، زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منبع مهمی برای ترسیم خطوط نظام حکومتی در اسلام است.

۱۵. مدرسة النجف وتطور الحركة الاصلاحیه فیها، نجف: چاپ اول، ۱۳۸۴ق.

۱۶. مفاتیح الدخول إلى رحاب القرآن، قم: دارالقرآن، ۱۴۰۹ق، ۳۸۰ص. در ضمن دوره «فی رحاب القرآن» نیز چاپ شده است.
۱۷. من وحی التقی، نجف: مکتبه التریبیه، چاپ اول، ۴۳ص.
۱۸. النظام المالی وتداول الثروة فی الإسلام، کربلاء: چاپ اول، ۱۹۶۵م، ۱۰۳ص. بخش اول کتاب در ضمن مجله «سلسله الثقافة الاسلامیه» چاپ شده است. ترجمه فارسی کتاب با نام «نظام مالی و گردش ثروت اقتصادی در اسلام» در سال ۱۳۵۳ش به چاپ رسید و ترجمه به اردو در سال ۱۹۸۹ در کراچی. کتاب را آقای محمدعلی مقدس به فارسی برگردانده و نشر بنیاد بعثت منتشر کرده است.
۱۹. الإمامة فی التشريع الإسلامی، نجف: چاپ اول، ۱۹۶۳م، ۱۸۶ص. این کتاب به قلم مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید حیدر ذی شأن به اردو برگردانده و چاپ شده است.
۲۰. دور الدین فی حیاة الإنسان، بیروت: چاپ سوم، ۱۹۸۵م، ۱۸۶ص.
۲۱. ولایة الأمر، چاپ اول ۱۴۱۶ق، ۲۰۰ص.
۲۲. وارث الأنبياء، المجلد ۱، قم: چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ۲۵۰ص. در ضمن دوره «فی رحاب عاشوراء» نیز چاپ و ترجمه آن به فارسی در تهران منتشر شده است.
۲۳. التخطيط السياسی فی السیرة النبویة، تهران: چاپ اول. ترجمه فارسی آن با عنوان «برنامه ریزی سیاسی در سیره نبوی» در سال ۱۳۶۷ خورشیدی به چاپ رسیده است. مترجم: محمدرضا افتخارزاده.
۲۴. الأمر بین الأمرین، قم: ۱۴۱۷ق، مرکز الرسالة، ۱۰۷ص. همچنین از سوی کنگره هزاره شیخ مفید در سال ۱۴۱۳ق، با افزودن بحث «البداء» با نام «موقف القرآن من الحتمیتین الإنسانیة والکونیة» در قم چاپ شده است.
۲۵. دور الزمان والمکان فی الفقه، چاپ در مجموعه «تأثیر زمان و مکان در اجتهاد»، قم: ۱۳۷۴ش، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.

۲۶. ترجمه کتاب «أثر العلوم التجريبية فى الإيمان بالله»، تأليف كاميل ملاماريون فرانسوى، چاپ دار الأضواء، نجف: ۱۳۸۲ق / ۱۳۶ص. بازنشر آن در سال ۱۴۳۳ق با عنوان «دور العلوم التجريبية فى الإيمان بالله». مؤلف کتاب، در پی اثبات وجود خدا از راه شناخت طبیعت است. گفتنی است که آقای خسرو وارسته، کتاب حاضر را به فارسی برگردانده است.

۲۷. الانتظار الموجه، دراسة فى علاقة الانتظار بالحركة و علاقة الحركة بالانتظار» بيروت: ۱۹۹۷م، ۷۰ص. در ضمن «سلسلة الثقافة الاسلامية» نیز چاپ و به اردو و فارسی نیز ترجمه شده است. سرفصل‌های کتاب عبارت‌اند از: انتظار موعود در ادیان پیشین، انتظار در مکاتب غیر الهی، ارزش فرهنگی انتظار فرج، نقش سنت‌های الهی و امدادهای غیبی در انقلاب مهدی علیه السلام، شکل‌ها و جلوه‌های گوناگون انتظار.

گفتنی است که مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام این کتاب را به زبان فرانسه ترجمه و چاپ کرده است.

۲۸. الجسور الثلاثة، بيروت: چاپ اول، ۱۹۹۶م. همچنین در ضمن «سلسلة الثقافة الاسلامية» چاپ شده است.

۲۹. مع ذی النون فى رحلة العودة إلى الله، تهران: چاپ اول، ۱۹۹۷م. در ضمن «فی رحاب القرآن» و «سلسلة الثقافة الاسلامية» نیز چاپ شده است.

۳۰. الولاية والبراءة (ولاية الله)، چاپ اول، ۱۴۱۸ق، ۱۹۷ص. همچنین در ضمن «فی رحاب القرآن» به چاپ رسیده است.

۳۱. تاریخ الفقه الشیعی، چاپ شده در مقدمه کتاب‌های «الروضة البهیة» و «ریاض المسائل». ترجمه فارسی آن در ۱۱۰ صفحه، در سال ۱۳۷۲ در قم به چاپ رسیده است. همچنین در ضمن «سلسلة الثقافة الاسلامية» بازنشر یافته و به اردو نیز ترجمه شده است.

۳۲. المدخل إلى الإمامة، تهران: چاپ اول، ۱۲۸ص.

۳۳. علاقة الحركة الإسلامية بولاية الأمر، ۱۱۸ص، قم: ۱۴۱۸ق. در ضمن «سلسلة الثقافة الاسلامية» نیز به چاپ رسیده است.
۳۴. فی رحاب القرآن، قم: دارالقرآن، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، شش جلد، ۹۰۰ص. چاپ دوم در تهران در سال ۱۹۹۷م در ۱۱ جلد، همراه اضافات. چاپ سوم در تهران، در ۱۲ جلد. ترجمه فارسی آن در سال ۱۳۸۵ در ۱۰ جلد به چاپ رسیده است. این تفسیر، موضوعی است و تاکنون ۱۴ جلد آن منتشر شده است. همچنین «فی رحاب القرآن»، برگزیده نمایشگاه قرآن در سال ۱۳۸۵ است. برگردان فارسی این مجموعه با عنوان کلی «در آیینة وحی» منتشر شده است و ما در بخش دوم نوشتار حاضر، جداگانه به آن خواهیم پرداخت.
۳۵. من حدیث الدعوة والدعاة، چاپ نجف.
۳۶. ساعات الفراغ وساعات الترفیه، چاپ نجف.
۳۷. المسائل الفقهية، چاپ نجف.
۳۸. العلاقة الجنسية فی القرآن، چاپ نجف، خلاصه آن در ضمن «فی رحاب القرآن» به چاپ رسیده است.
۳۹. کتاب الجهاد فی الفقه، به قلم شیخ ابی میثم آل شیب، تقریر دروس شیخ محمدمهدی آصفی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۱۳۷۹، ۴۴۸ص.
۴۰. فی النهضة الحسينية، به قلم شیخ جمیل ربیعی، تقریر دروس شیخ محمدمهدی آصفی در تحلیل نهضت حسینی، چاپ بیروت.
۵۵. الخطاب الحسينی (المرحلة الثانية للثورة الحسينية)، تهران: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ق، ۱۷۲ص. همچنین با افزوده‌هایی به نام «فی رحاب عاشوراء» به چاپ رسیده است.
۴۱. فی رحاب الإمام الحسين علیه السلام، یوم عاشوراء، قم: ۱۴۳۱ق. در «فی رحاب عاشوراء» نیز به چاپ رسیده است.

۵۷. شیعة أهل البيت عليهم السلام، نجف: چاپ اول، ۱۴۲۴ق، ۱۳۰ص.
۴۲. الشعائر والشعارات الحسينية، نجف: چاپ اول، ۱۴۲۵ق. سپس در کتاب «فی رحاب عاشوراء» و نیز «سلسلة الثقافة الاسلامية» به چاپ رسیده است.
۴۳. الموقف من العنف والطائفية فی العراق، نجف: چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۴۴. لبيك داعی الله، نجف: چاپ اول ۱۴۲۷ق، ۹۰ص.
۴۵. التحديات المعاصرة، نجف: چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۴۶. الوعد الصادق، نجف: چاپ اول، ۱۴۲۷ق. این کتاب به زبان ترکی ترجمه و در ترکیه و کویت به چاپ رسیده است.
۴۷. الفتنة الكبرى، چاپ ۱۴۲۴ق.
۴۸. رائد المدرسة الاصولية المعاصرة، نجف: ۱۴۲۵ق.
۴۹. الفئات العارضة لثورة الإمام الحسين عليه السلام، نجف: ۱۴۲۴ق.
۵۰. تأملات فی العرفان والسلوك فی شرح حديث الإمام الصادق عليه السلام لعنوان البصري، بيروت: ۱۴۲۷ق، ۱۲۶ص. خلاصه‌ای از آن به فارسی ترجمه و در ایران و عراق چاپ شده است.
۵۱. تأملات و تعليقات على دعاء الأسحار للإمام زين العابدين عليه السلام برواية أبي حمزة الثمالي.
۵۲. الأبعاد السياسية والاجتماعية من حياة الإمام زين العابدين عليه السلام، قم: ۱۴۲۸ق.
۵۳. الثقافة القيادية والإدارية فی الإسلام، نجف: ۱۴۲۶ق.
۵۴. فی ضيافة الرحمان، تهران: چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۵۵. مختارات من المحاضرات الحسينية ۱-۲، برگزیده‌ای از مقالات علما که در آن مقالاتی از مؤلف نیز وجود دارد. نجف: چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۵۶. الأمة الواحدة والموقف من الفتنة الطائفية، چاپ در عراق، کویت و ایران.
۵۷. فقه المقاومة. دراسة فقهية مقارنة، تهران: ۱۴۳۰ق.

۵۸. رساله الی خطباء وجمهور المنبر الحسینی، نجف: ۱۴۲۸ق.
۷۵. الخطاب السیاسی الثقافی الموجه الی انصار الحسین علیه السلام، نجف ۱۴۲۶ق.
۵۹. المدخل الی دراسة نص الغدير، ایران: ۱۴۱۷ق.
- استاد حسن شانه‌چی، این کتاب را با نام «واژه ماندگار؛ نگرشی نو به راهبرد نهایی حدیث غدیر در تعیین امام علیه السلام» به فارسی برگردانده است.
۶۰. حوار فی التسامح والعنف، بیروت: ۱۴۲۴ق.
۶۱. الموقف من العنف والفتنة الطائفية فی العراق، چاپ در نجف، لندن و کویت.
۶۲. انتهاكات الاستکبار العالمی للعالم الاسلامی، سال ۱۴۲۷ق.
۶۳. التحديات المعاصرة ومشروع المواجهة الاسلامية، ایران: ۱۴۲۷ق.
۶۴. المحقق الحلی، ایران: ۱۴۳۰ق.
۶۵. المدخل الی عقيدة الشيعة الامامية فی ولادة الإمام المهدي عليه السلام وغيبته. بارها به چاپ رسیده است.
۶۶. الخطاب الديني فی الشهر الفضيل، نجف: ۱۴۳۳ق.
- برخی فصل‌های کتاب بدین قرار است: بررسی حدیث ثقلین؛ بررسی حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه»؛ بررسی حدیث «ان الارض لاتخلو من حجة»؛ بررسی حدیث «الائمة الاثني عشر».
۶۷. فی رحاب عاشوراء، ایران: چاپ اول، ۱۴۱۲ق و چاپ سوم در دو جلد، ۱۵۰۰ص در ایران ۱۴۳۰ق و چاپ چهارم در نجف در سه جلد، ۱۶۰۰ص، ۱۴۳۱ق.
۶۸. چالش‌های معاصر و برنامه رویارویی اسلام. این کتاب برگزیده بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی است.
۶۹. فی ظلال طف. تقریر دروس مؤلف درباره قیام عاشوراء، به قلم شیخ جمیل حسین ربیعی.

۷۰. وقفة الدكتور الشيخ البراك. كتاب، پاسخی است به دکتر براك، استاد دانشگاه‌های عربستان که شیعه را متهم به تفرقه‌انگیزی و بدعت کرده بود. مؤلف در این کتاب، دامن شیعه را از اعتقاد به تحریف قرآن و دشمنی با اصحاب رسول خدا ﷺ مبرا می‌داند و نیز دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام را دربارهٔ خمس، سقیفه، مرجعیت دینی در جهان اسلام، حدیث ثقلین و... توضیح می‌دهد.

۷۱. كيف نقرأ القرآن، خمس وعشرون نقطة في المنهج الصحيح لقراءة القرآن. الإصدار الثاني مع إضافات و تصحيح وتنقيح: (مختارات من محاضرات ومقالات ومؤلفات الشيخ محمدمهدى الأصفى)، هذه الحلقة مستقلة من كتاب «في رحاب القرآن»، الجزء ۱۳. الطبعة الثانية: ۱۴۳۱ق / ۲۰۱۰م، مطبعة مجمع أهل البيت ﷺ النجف الأشرف. در ابتدای رساله آمده است: «هذه الرسالة كانت في الأصل محاضرة ألقاها المؤلف الشيخ الأصفى في جمع من طلبة الحوزة العلمية في دروس التفسير، ثم تمّ تدوينها بهذه الصورة التي يجدها القارئ أمامه. نرجو أن ينفع الله بها المؤمنين.»

۷۲. الاجتهاد والحياة، حوار على الورق. الإصدار الثاني مع إضافات وتصحيح وتنقيح. (مختارات من محاضرات و مقالات ومؤلفات الشيخ محمدمهدى الأصفى). ۱۴۳۱ق / ۲۰۱۰ م، مطبعة مجمع أهل البيت ﷺ النجف الأشرف. مؤلف در ابتدای رساله نوشته است: «هذه مجموعة من الاسئلة حول محور الاجتهاد في الفقه، وصلتنى من مؤسسة ثقافية في لبنان. فأجبت عليها بالصورة التي يجدها القارئ بين يديه. أسأل الله تعالى أن ينفع بها المؤمنين.»

۷۳. حوارات وإثارات حول المرجعية والفقاهة. الإصدار الثاني مع إضافات وتصحيح وتنقيح. (مختارات من محاضرات ومقالات ومؤلفات الشيخ محمدمهدى الأصفى. الطبعة الثانية: ۱۴۳۱ق / ۲۰۱۰م، مطبعة مجمع أهل البيت ﷺ النجف الأشرف.

- جاءت نخست این اثر در مجله «الفکر الجديد» بوده و سپس در کتاب «الإجتهد والتقليد» بازنشر شده است.
٧٤. سلطات الفقيه وصلاحياته فى عصر الغيبة. الإصدار الثانى مع إضافات وتصحيح وتنقيح. (مختارات من محاضرات ومقالات ومؤلفات الشيخ محمدمهدى الآصفى) الطبعة الثانية: ١٤٣١ق / ٢٠١٠م، مطبعة مجمع أهل البيت عليه السلام النجف الأشرف.
٧٥. الغربية والاعتراب. الإصدار الثانى مع إضافات و تصحيح وتنقيح. (مختارات من محاضرات ومقالات ومؤلفات الشيخ محمدمهدى الآصفى) الطبعة الثانية: ١٤٣٢ق، مطبعة مجمع أهل البيت عليه السلام النجف الأشرف.
٧٦. مشروع الوحدة الإسلامية ثقافياً واجتماعياً. الإصدار الثانى مع إضافات وتصحيح وتنقيح. (مختارات منتقاة من محاضرات ومقالات ومؤلفات الشيخ محمدمهدى الآصفى، الطبعة الثانية: ١٤٣٢ق، مطبعة مجمع أهل البيت عليه السلام، النجف الأشرف.
٧٧. خطاب الاستنصار الحسينى، من المدينة إلى كربلاء. الإصدار الثانى. (مختارات منتقاة من محاضرات ومؤلفات الشيخ محمدمهدى الآصفى حفظه الله). ١٤٣٣ق، مطبعة مجمع أهل البيت عليه السلام النجف الأشرف.
٧٨. شروط العمل وساحاته. الإصدار الثانى مع إضافات و تصحيح وتنقيح. (مختارات منتقاة من محاضرات ومقالات و مؤلفات الشيخ محمدمهدى الآصفى) الطبعة الثانية: ١٤٣٢ق / ٢٠١٠م، مطبعة مجمع أهل البيت عليه السلام النجف الأشرف.
٧٩. دروس عن الثقافة الإدارية والقيادية فى الإسلام، خمسة وعشرون درساً. الإصدار الثانى مع إضافات وتصحيح و تنقيح، الطبعة الثانية: ١٤٣٢ق، مطبعة مجمع أهل البيت عليه السلام النجف الأشرف.

۸۰. در آینه وحی. ده جلد: برگرفته و ترجمه از «فی رحاب القرآن». مترجمان: سید محمدحسین نواب، حسین خادمی، علیرضا سروش، محمدحسن سرانجام، فرید الدین فرید عصر، سید علیرضا نقیب‌پور، مصطفی طباطبایی، محمدصادق محدث. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۵ - ۱۳۸۹. این مجموعه ده‌جلدی که بیشتر از نوع و جنس «تفسیر موضوعی قرآن» است، بیشتر به زبان عربی، تحت عنوان «فی رحاب القرآن» منتشر شده و تا کنون ۱۴ جلد از آن در دسترس خوانندگان و قرآن‌پژوهان است. آن چنان که در مقدمه مؤلف بر ترجمه فارسی اثر آمده است، «در مدت کوتاهی، سه بار تجدید چاپ شده است.»^۱ هر یک از مجلدات، درباره موضوعی خاص است. بدین شرح: جلد اول: شناخت؛ جلد دوم: میثاق؛ جلد سوم: آرامش؛ جلد چهارم: گشایش؛ جلد پنجم: دو میراث؛ جلد ششم: آیه تطهیر؛ جلد هفتم: موانع رشد؛ جلد هشتم: سنت تعمیم؛ جلد نهم: فلسفه تاریخ؛ جلد دهم: زوجیت فراگیر.

۸۱. آیت‌الله آصفی بر بیش از سی اثر مهم فقهی، تاریخی، روایی و قرآنی، مقدمه نوشته‌اند؛ از جمله بر کتاب‌های اللمعة الدمشقیة؛ کتاب صلاة الجمعة، تألیف سید کاظم حائری؛ خط الأنبياء والمواجهه، تألیف محمدعلی جوادی.؛ تتمیم کتاب أصول الفقه، شیخ غلامرضا عرفانیان؛ مقدمه کتاب الإمامة والولاية فی الإسلام؛ مقدمه کتاب الفضائل المنسیة، حسینعلی راشد؛ مقدمه الضرائب الثابتة فی الإسلام، عبد الامیر کاظم؛ أصول الدین بین السائل والمجیب، شیخ صادق الساعدی؛ مقدمه کتاب الدروس الشرعیة، شهید اول؛ دعوة موسی والانحرافات الاسرائیلیة، نوری حاتم؛ مقدمه کتاب نهج الهدی، حاشیة علی العروة الوثقی،

۱. آصفی، محمد مهدی، آینه وحی، ترجمه سید محمدحسین نواب، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹. نوشتار حاضر، بر پایه همین چاپ و مشخصات کتاب‌شناختی است.

محمدتقی البروجردی؛ الإفاضات، السيد عباس المهري؛ مقالات الأصول، المحقق العراقي؛ تعليقة المحقق العراقي على العروة الوثقى؛ رياض المسائل، السيد على الطباطبائي؛ فوائد الاصول، شيخ الأنصاري؛ تفسير البرهان، محدث البحراني؛ بحث في تاريخ التفسير ومصادر التفسير، والتفسير في مذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ميثم التمار، محمدحسين المظفر؛ الرأي السديد في الاجتهاد والتقليد، تقريرات دروس آية الله الخوئي، في بحث الاجتهاد والتقليد؛ نظرات في الإعداد الروحي، شهيد حسين معن؛ النهاية ونكتها، شيخ الطوسي والمحقق الحلي؛ نهاية الأفكار، محمدتقی البروجردی؛ حركة القومية العربية، ضياء الدين أحمد؛ الفوائد الحائرية؛ التحدى الكبير، صلاح الحديدی؛ شاعر القصيدة المفجع البصری، عبد الرسول الغفار؛ الرسائل، شيخ الانصاری؛ اصول المظفر؛ عقائد الامامية، تالیف شيخ المظفر؛ المؤلفات الشيخ حسن الصفار.

افزون بر اینها دهها جزوه از سخنرانی‌های معظم له فراهم و چاپ شده است و برخی نیز در نوبت چاپ است؛ همچون: ۱. الحكم الإسلامی من حيث النظرية والتطبيق: تقرير درس ولایت فقیه امام خمینی علیه السلام در نجف اشرف ۲. بحث فقهی در عقود؛ ۳. بحث فقهی در کتاب الإجارة؛ ۴. بحث فقهی در باب زکات مال التجارة؛ ۵. بحث فقهی - تفسیری در آية الكنز؛ ۶. بحث فقهی در غنا و موسیقی؛ ۷. تفسیر سورة انفال و توبه؛ ۸. بحث فقهی در مسئله تنجیس متنجس؛ ۹. شرح دعای أبی حمزة ثمالی؛ ۱۰. بحث‌های اصولی؛ ۱۱. قانون علیت در فلسفه؛ ۱۲. وجود و ماهیت.^۱

۱. ر.ک: مأخذنسانی آثار آیت‌الله آصفی، چاپ کنگره بزرگداشت آیت‌الله آصفی. مجری و ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

سخنرانی‌های علمی

آیت‌الله آصفی، همچنان که نویسندهٔ پرکاری است، نیز خطیبی توانا است و تا کنون بیش از هزار نوار سخنرانی از ایشان موجود است. اکثر سخنرانی‌های ایشان به زبان عربی و در همایش‌های بین‌المللی است. این بخش از فعالیت‌های علمی استاد، به هیچ روی قابل احصا نیست و در اینجا به اشارتی کوتاه و ناقص به برخی از خطابه‌های معظم له بسنده می‌کنیم:

- همایش مجمع اهل بیت علیهم‌السلام در سال ۱۴۲۸ق در مکه مکرمه؛
- همایش مجمع اهل بیت علیهم‌السلام در سال ۱۴۲۹ق در مکه مکرمه؛
- هجدهمین همایش بین‌المللی تقریب مذاهب اسلامی، در سال ۱۴۲۷ق، در مکه مکرمه.
- همایش حج در سیرالتون؛
- همایش الاسلام والقومة العربيه در بیروت؛
- بزرگداشت شخصیت فاطمه زهرا علیها‌السلام در استکهلم؛
- همایش شیخ انصاری در قم و دزفول؛
- همایش «رقه» در سوریه، دربارهٔ عمار یاسر؛
- مراسم بزرگداشت شخصیت فاطمه زهرا علیها‌السلام در لیبی؛
- کنگرهٔ بین‌المللی آخوند خراسانی، آذر ۱۳۹۰، در قم.

....

اجازة اجتهد آيت الله العظمى ميرزا هاشم آملی به آيت الله آصفی:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى .

وبعد فقد لاحظت بعض المواضع المهمة من كتاب « ملكية الارض في
الاسلام » لمؤلفه العلامة الجليل المحجة الشيخ محمد مهدي الاصفى دامت ^{سنة}

والحق انه مؤلف بليغ في موضوعه قد جمع فيه مؤلفه الجليل بين الاحاطة
بالاقوال وشؤونها وبين اقامة البرهان عليها والاجتهاد في استنباط الحكم

الشرعي القائم على المباني الفقهية والاصولية السدينة . وبالجملة المؤلف

دام توفيقه قد جد واجتهد في استنباط الحكم الشرعي في ملكية الارض و

تتبع الاقوال في المسئلة ببيان الادلة بصورة وافية فله تعالى دره و

على الله اجره ونال الله تعالى ان يوفقه لتأليف مباحث ورسائل فقهية

أخرى على هذا المنوال . حرره في السادس من شوال من سنة ١٣٩٣ هـ .

الاحقره شمس الدين
نور محمد عمري



اجازة اجتهاد آيت الله العظمى مرتضى آل ياسين به آيت الله اصفى:

بسم الله الرحمن الرحيم

وبه نستعين والصلوة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين
ويمد فان ملكية الارض في الاسلام كان ولو يزال موضعها مهما تناوله اقلام الباحثين وقد هدفه
آراء العلماء من الفقهاء والمجتهدين غير اني لم ادر فيما رأيت كتابا تناول هذا الموضوع فافسحه بحثا
وتحليلا واختصارا وتفصيلا كهذا الكتاب القيم الذي بين يديك فقد تناوله بكل دقة وحيص
واحاط بكل امادة احاطة السداد بالمعصم فلم ينادر صغيرة ولا كبيرة ذات صلة بالموضوع
الا والمهما وانضجها اما لوجوب يدعوه الدليل اول لب يسهل اليرهان متوخيا في
بحثه المتأونة بين المذاهب الاسلامية الختمة بحثا موضوعيا قائما على الشاهد العلية
والقول الشرعية في اطوار من البيان الرابع والسلب من التوبيع والترتيب لوجوه
العائري الا في هذا الكتاب من الكتب المؤلفة حول هذا الموضوع غير ان الاستفادة منه كما
يجب هي من خصائص اولئك المطالعين المتفرجين على دراسة الفقه واصوله وذلك
بالنظر لما تضمنه الكتاب من البحوث الخاطفة معالجة الادلة المنطوية التي عليها الموار في تتبع
الموضوع بحكمة نضيا وانباتا واجراء الاصول العلية التي يرجع اليها في موارد الشك
والدلتباس وهذا الجانب من الكتاب من أبرز مباحثه التي تشيد بنفسيلة مؤلفه
العلامة الجليل الراجحي الشيخ ميرمهدى الازمعي دام تأييده فانه (والذي يقال) قد خالج
هذا الجانب معالجة الفقيه المتكمن من الاجتهاد في مقام الاستنباط وما حذا الكتاب
الا واحد من مؤلفاته القيمة التي تشهد له بالبرزة العلية في كل من مجال الثقافة العامة
والثقافة الخاصة فالله تعالى ان يزيده توفيقا لما يحب ويرضى والله نفع العالين
بعلمه وقله انه على ما يشاء قدير

مرحمة آل ياسين ١٣٩٤/٥/٤

